احیاء المیت بفضائل اہل بیت علیہم السلام

علامہ شیخ جلال الدین سیوطی

(۸۴۹ - ۹۱۱ ھ.ق)

تحقیق و تعلیق

شیخ کاظم فتلاوی

شیخ محمد سعید طریحی

مقدمہ و ترجمہ

احمد آقائی


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
السلام علیک یا صاحب الزمان

ترجمه احیاء المیت بفضائل اهل البیت علیهم السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه : سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، ۸۴۹ - ۹۱۱ق.
عنوان قراردادی : احیاءالمیت بفضائل اهل البیت علیهم السلام. اردو
عنوان و نام پدیدآور : احیاءالمیت بفضائل اهل البیت علیهم االسلام (فضائل اهلبیت علیهم السلام سی احیاء میت)/ جلال‌الدین سیوطی؛ تصحیح و حاشیه محمدکاظم فتلاوی، محمدسعید طریحی؛ ترجمه و مقدمه محمدمنیر هندی لکهیم پوری.
مشخصات نشر : قم : مجمع جهانی اهل البیت علیهم السلام ، ۲۰۰۶م. = ۱۳۸۵.
مشخصات ظاهری : ۱۴۱ ص.
شابک : 978-964-529-088-5
وضعیت فهرست نویسی : فاپا
یادداشت : اردو
یادداشت : کتابنامه: ص. ۱۳۶ - ۱۴۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.
عنوان دیگر : فضائل اهل بیت علیهم السلام سی احیاء.میت.
موضوع : احادیث اهل سنت -- قرن ق ۱۰
موضوع : خاندان نبوت -- فضایل -- احادیث\
شناسه افزوده : لکهیم‌پوری، محمدمنیرخان
شناسه افزوده : فتلی، کاظم، مترجم
شناسه افزوده : طریحی، محمدسعید
رده بندی کنگره : BP۱۲۴/۵/س۹الف۴۶ ۳۰ ۱۳۸۵
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۱
شماره کتابشناسی ملی : م۸۵- ۷۱۸۰

[مقدمه مترجم]

به نام خداوند جان آفرین چند سال پیش که شرف و افتخار نوکری و عتبه بوسی آستان ملائک پاسبان رضوی علی مشرفها آلاف التحیة و الثناء را داشتم کتابی کم‌حجم به نام «احیاء المیت» در فضائل اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السّلام به دستم رسید که از تألیفات دانشمند نامور و پرکار قرن نهم هجری یعنی علامه جلال الدین سیوطی بود. خوشبختانه کتاب مذکور توسط فاضل ارجمند جناب شیخ کاظم فتلاوی تصحیح و پاورقیهای ارزشمند حاوی مصادر احادیث و تراجم اعلام مندرج در کتاب، بدان افزوده شده بود بعدها نسخه‌ای دیگر از کتاب به تصحیح و پاورقی استاد شیخ محمد سعید طریحی نیز به دستم رسید از این رو بر آن شدم که با ترجمه اثر مذکور به زبان فارسی خدمتی بسیار خرد به ساحت مقدس اهل بیت رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله به انجام رسانم اگرچه از بی‌مقداری خدمت ناچیز خود سخت شرمسار بودم ولی از سوی دیگر نیز می‌دانستم با کریمانی سروکار دارم که گدایان ناچیز را هم از نوازش و لطف عمیم خویش بی‌بهره نمی‌گذارند و همین تنها مایه امید و دلگرمی این بنده بوده و هست.

حقیقت آن است که درباره فضائل اهل بیت علیهم السّلام بسیار نگاشته‌اند و در این میان سهم دانشمندان اهل سنت بسیار چشمگیر و قابل توجه است. یکی از این نگاشته‌ها کتاب (احیاء المیت بفضائل اهل البیت علیهم السّلام) می‌باشد که توسط علامه نامور حافظ

إحياء الميت، السيوطى ،متن،ص:54

جلال الدین سیوطی به رشته تحریر در آمده است شرح احوال و آثار این دانشمند نامبردار در مقدمه متن عربی کتاب به طور مفصل درج شده است و در اینجا نیز فشرده‌ای از آن تقدیم می‌گردد:

علامه حافظ جلال الدین أبو الفضل عبد الرحمن بن ابی بکر بن محمد بن ابی بکر بن عثمان سیوطی شافعی شامگاه یکشنبه اوّل رجب سال 849 ه. ق. در شهر اسیوط مصر دیده به جهان گشود و بیش از پنج سال نداشت که پدرش درگذشت. وی از همان اوان کودکی به تحصیل علم روی آورد در هشت سالگی قرآن کریم و برخی از متون درسی رایج در آن روزگار را حفظ نمود. از ابتدای سال 864 ه. ق. رسما در سلک طلاب علوم دینی در آمد به تحصیل نحو، فقه، اصول و سایر رشته‌ها پرداخت و نزد بیش از پنجاه تن از دانشمندان عصر خویش به فراگیری دانشهای مختلف همت گماشت. در سال 866 ه. ق.

اولین اثر خویش را تألیف نمود، در سال 871 ه. ق. به فتوی دادن پرداخت

و در سال 872 ه. ق. مجلس املاء حدیث داشت. وی در طول حیات پربار خویش به نواحی مختلف شام، حجاز، یمن، هند و مغرب مسافرت نموده با دانشمندان و بزرگان دیار مذکور حشر و نشر داشت، علامه سیوطی در تفسیر، حدیث، فقه، نحو، معانی، بدیع، بیان، اصول فقه، قراءات، تاریخ و طب دستی توانا داشت و در بیشتر علوم مذکور کتبی تألیف نمود.
از وی اشعاری نیز به جای مانده است که غالبا در باب مسائل علمی می‌باشند و می‌توان وی را از این لحاظ یک شاعر درجه دوم یا سوم به شمار آورد.
بدون تردید حافظ سیوطی یکی از پرکارترین دانشمندان جهان اسلام می‌باشد چرا که از وی حدود پانصد اثر به جای مانده است که از کتاب یک برگی تا چندین جلدی را شامل می‌گردد (در مقدمه عربی اسامی 375 اثر وی ذکر گردیده است).
وی بسیار عفیف النفس و همواره از حضور در بارگاه أمراء و قدرتمندان گریزان بود و از پذیرش هدایای ایشان امتناع می‌نمود. او در اواخر عمر تدریس را کنار گذارد و در گوشه‌ای دور از مردم، روزگار را به عبادت پروردگار می‌گذرانید و عاقبت پس از گذراندن عمری توأم با تألیف و تدریس در روز پنج‌شنبه 19 جمادی الاولی سال 911 ه. ق. درگذشت و در ناحیه حوش قوصون مدفون گردید و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین.
إحیاء المیت، السیوطی ،متن،ص:55

اشارة

به نام یزدان بخشاینده مهربان ستایش یزدان را سزاست و درود بر بندگان برگزیده وی باد. این کتاب مجموعه‌ای از شصت حدیث است و آن را به نام «احیاء المیت بفضائل اهل البیت علیهم السّلام» نامیده‌ام.

«1»: سعید بن منصور «2» در سنن خویش از سعید بن جبیر «3» در مورد

---

(1)- خواننده محترم توجه دارد که در اصطلاح علماء اهل سنت حدیث به قول، فعل، تقریر، وصف خلق یا خلق پیامبر و یا سخنان صحابه و تابعین اطلاق میگردد (منهج النقد فی علوم الحدیث نوشته دکتر نور الدین عتر ص 27، علوم الحدیث و مصطلحه نوشته دکتر صبحی الصالح ص 426) حال آنکه در اصطلاح علماء شیعهٔ امامیّه حدیث تنها به کلام حاکی از قول، فعل و یا تقریر معصومین سلام اللّه تعالی علیهم اجمعین اطلاق می‌شود (نهایة الدرایة نوشته سید حسن الصدر الکاظمی ص 80، مقباس الهدایة فی علم الدرایة نوشته شیخ عبد اللّه مامقانی ج 1 ص 59). مترجم

(2)- ابو عثمان سعید بن منصور بن شعبه خراسانی (یا طالقانی) در جوزجان متولد گردیده در بلخ نشو و نمو کرد و به دیگر بلاد سفر نمود. او عاقبت ساکن مکه شد و در سال 227 ه. ق در همان‌جا درگذشت. مسلم از وی حدیث روایت نموده است و احادیث وی در صحاح ست یافت می‌گردند. زندگینامه وی در تذکرة الحفاظ ج 1 ص 417- 416 تاریخ البخاری ج 2 ص 472، الجرح و التعدیل ج 1 ص 68، مختصر تاریخ دمشق ج 6 ص 175 و تهذیب التهذیب ج 3 ص 90- 89 مندرج است.

(3)- ابو محمد سعید بن جبیر بن هشام اسدی و البی در سال 46 ه. ق زاده شد و در سال 95 ه. ق در سن 49 سالگی به دست حجاج بن یوسف ثقفی به قتل رسید. حجاج چند روز پس از شهادت وی درگذشت. ابن جبیر نزد عبد اللّه بن عباس و عبد اللّه بن عمر به تلمذ پرداخت و از جمله تابعین بسیار دانشمند و برجسته و در شمار قدیمی‌ترین مفسران قرآن کریم بوده است. زندگینامه وی در تذکرة الحفاظ ج 1 ص 77- 76 طبقات ابن سعد ج 6 ص 267- 256، الجرح و التعدیل ج 1 ص 9 و نیز تهذیب التهذیب ج 4 ص 14- 11 مندرج است.

إحیاء المیت، السیوطی ،متن،ص:56

تفسیر آیه کریمه «بگو برای آن کار (رسالت) از شما مزدی نمی‌خواهم مگر دوستی نزدیکان را» «1» نقل کرده است که گفت مقصود از نزدیکان، خاندان پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله است «2».

- حدیث دوم

: ابن منذر «3» و ابن ابی حاتم «4» و ابن مردویه «5» در تفاسیر خویش و طبرانی «6» در المعجم الکبیر از ابن عباس «7» نقل کرده‌اند که گفت: هنگامی که آیه «بگو

---

(1)- بخشی از آیه 23 سوره شوری.
(2)- خبر مذکور را سیوطی در تفسیر الدر المنثور ج 6 ص 7، حسکانی در شواهد التنزیل ج 2 ص 145، حاکم در مستدرک الصحیحین ج 3 ص 172، ابن حجر در الصواعق ص 136 و طبری در ذخائر العقبی ص 9 نقل نموده‌اند.
(3)- ابو بکر محمد بن ابراهیم بن منذر نیشابوری حافظ، فقیه، مجتهد و شیخ مسجد الحرام بوده و از مشهورترین تألیفات وی کتاب" المبسوط فی الفقه"، کتاب" الاشراف فی اختلاف العلماء" و همچنین کتاب" الاجماع" می‌باشد. وی در سال 243 ه ق متولد و در سال 318 ه ق درگذشت. زندگینامه او در کتاب تذکرة الحفاظ ج 2 ص 783- 782 کتاب طبقات الشافعیة ج 2 ص 108- 102 کتاب الاعلام ج 6 ص 184 و کتاب شذرات الذهب ج 2 ص 280 مندرج است.
(4)- ابو محمد عبد الرحمن بن ابی حاتم محمد بن ادریس بن منذر تمیمی حنظلی رازی در سال 240 ه ق در ری به دنیا آمد و در سال 327 ه ق در همان شهر درگذشت. وی از مشاهیر محدثین عصر خود بود و از اساتیدی همچون پدرش و ابن زرعة فن جرح و تعدیل را آموخت. او همچنین در زمره فقها و علماء قراءات بود و در طلب علم مکه، دمشق، مصر، اصفهان و دیگر بلاد را درنوردید. زندگینامه وی در تذکرة الحفاظ ج 2 ص 832- 829، شذرات الذهب ج 2 ص 309- 308، طبقات الشافعیة ج 2 ص 328- 324، فوات الوفیات ج 1 ص 543- 542، طبقات الحنابلة ج 2 ص 55، لسان المیزان ج 3 ص 432، مرآة الجنان ج 2 ص 289 مندرج است.
(5)- ابو بکر احمد بن موسی بن مردویه بن فورک اصفهانی صاحب" تفسیر ابن مردویه،" تاریخ ابن مردویه" و چند تألیف دیگر است. وی که جزء محدثین، مفسرین، مورخان و جغرافی‌دانهای عصر خویش به شمار می‌آید. در سال 324 ه ق زاده شد و در سال 410 هق درگذشت. زندگینامه وی در تذکرة الحفاظ ج 2 ص 1051- 1050 اخبار اصفهان ج 1 ص 168 و المنتظم ج 7 ص 294 مندرج است.
(6)- ابو القاسم سلیمان بن احمد بن أیوب بن مطیر لخمی شامی طبرانی در سال 260 ه ق در شهر عکا به دنیا آمد و در طلب حدیث به حجاز، یمن،

ایران و الجزیرة سفرها نمود. از مهمترین تألیفات وی کتابهای"" المعجم الکبیر"،" المعجم الاوسط" و" المعجم الصغیر" است وی در سال 360 ه ق و در سن صد سالگی در اصفهان در گذشت. زندگینامه وی در تذکرة الحفاظ ج 3 ص 918- 912، میزان الاعتدال ج 2 ص 190، النجوم الزاهرة ج 4 ص 59، الاعلام ج 3 ص 181 لسان المیزان ج 2 ص 74 و ذکر اخبار اصفهان ج 1 ص 325 مندرج است.

(7)- ابو العباس عبد اللّه بن عباس بن عبد المطلب قرشی هاشمی، حبر امت و صحابی جلیل ملازم پیامبر صلّی اللّه علیه و آله بود. وی سه سال قبل از هجرت متولد گردید و پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله دعا نمود که خداوند او را در دین فقیه گردانیده و تاویل را بدو عطا فرماید. صاحبان صحاح شش‌گانه 1660 حدیث از او نقل کرده‌اند. وی در جنگهای جمل و صفین در رکاب امیر المؤمنین علی علیه السّلام بود. بنا بر قول واحدی، ابن عباس در سال 68 ه ق و در

إحياء الميت، السيوطى ،متن،ص:57

برای آن کار از شما مزدی نمی‌خواهم مگر دوستی نزدیکان را» از پیامبر صلّی اللّه علیه و آله پرسیدند:

ای فرستاده خدا این نزدیکان تو که دوستی ایشان بر ما واجب گردیده است کیانند؟ آن حضرت صلّی اللّه علیه و آله فرمودند: علی «1» و فاطمه «2» و دو پسر آنها (سلام الله تعالی علیهم اجمعین) می‌باشند «3».

سن 72 سالگی در شهر طائف درگذشت زندگینامه وی در وفیات الاعیان ج 3 ص 63- 62، الاصابة ج 4 ص 94- 90، جوامع السیرة ص 276، تذکرة الحفاظ ج 1 ص 41- 40، نهایة النهایة ج 1 ص 425، العقد الثمین ج 5 ص 190، نکت الهمیان ص 180، تاریخ دمشق ج 6 ص 260 الاعلام ج 4 ص 228 و لسان المیزان ج 3 ص 73 مندرج است.

(1)- ابو الحسن علی بن ابی طالب بن عبد المطلب علیه السّلام 10 سال پیش از بعثت در مکه متولد گردید و در آغوش پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله پرورش یافت و بنا به قول ابن حجر در الاصابة آن حضرت اولین فردی بود که اسلام آورد. وی در کلیه نبردها به استثنای جنگ تبوک که پیامبر صلّی اللّه علیه و آله ایشان را به جانشینی خود در مدینه قرار دادند شرکت داشت، مناقب آن حضرت بی‌شمار بوده و بنا به قول امام احمد حنبل برای هیچ‌یک از صحابه مانند آنچه که برای علی علیه السّلام نقل شده وارد نگردیده است. آن حضرت در 21 رمضان سال 40 هجری به شهادت رسید.

زندگینامه آن حضرت در الاصابة ج 4 ص 271- 269 تذکرة الحفاظ ج 1 ص 12- 10، حلیة الاولیاء ج 1 ص 78- 61، الاستیعاب ج 2 ص 461 و اسد

الغابة ج 4 ص 292 مندرج است.
(2)- فاطمة الزهراء عليها السّلام دختر پيامبر اكرم صلّى اللّه عليه و آله و سرور زنان جهان ميباشد. مادر آن حضرت أم المؤمنين خديجه بود. آن حضرت كوچكترين دختران پيامبر صلّى اللّه عليه و آله و محبوبترين ايشان نزد آن حضرت بوده نسل پيامبر صلّى اللّه عليه و آله به واسطه وجود حضرت فاطمة عليها السّلام حفظ گرديد. بنا به برخى اقوال حضرت زهرا عليها السّلام روز جمعه 20 جمادى الاخرى دو سال قبل از بعثت در شهر مكه متولد گرديد. كلينى و ابن شهرآشوب تاريخ ولادت آن حضرت را به نقل از امام باقر عليه السّلام پنج سال پس از بعثت ذكر نموده‌اند كه قول مشهور نيز همين است. حضرت زهرا عليها السّلام بنا به قول مشهور منقول از امام صادق عليه السّلام در سوم جمادى الاخرى سال 11 ه ق رحلت فرمود زندگينامه آن حضرت در كتاب اعيان الشيعة ج 2 ص 320-271 مندرج مى‌باشد.
(3)- حديث مذكور را سيوطى در الدر المنثور ج 6 ص 7 از سعيد بن جبير از ابن عباس نقل نموده است.
طبرانى نيز آن را در المعجم الكبير ج 1 ص 125 (نسخه خطى كتابخانه ظاهريه دمشق) با مختصر تفاوتى نقل كرده است. ابن حجر هيثمى اين حديث را در مجمع الزوائد ج 9 ص 118 نقل كرده است. طبرى پس از ذكر اين حديث در ص 25 ذخائر العقبى گفته است: احمد آن را در كتاب المناقب ذكر نموده است. ابن صباغ مالكى نيز حديث مذكور را در الفصول المهمة ص 29 به نقل از بغوى با اسناد مرفوع از ابن عباس آورده است و قرطبى پس از نقل حديث مذكور در الجامع لاحكام القرآن ج 16 ص 22-21 افزوده است: مقصود از" دو پسر آنها" در حديث مذكور حسنين عليهما السّلام ميباشند كه نوادگان پيامبر صلّى اللّه عليه و آله و سرور جوانان بهشتى هستند. برخى از ديگر مصادر حديث مذكور شامل الكشاف ج 2 ص 339، اسعاف الراغبين ص 205، ارشاد العقل السليم ج 1 ص 665، حلية الاولياء ج 3 ص 201، مسند امام احمد ج 1 ص 229، الغدير ج 3 ص 127، شواهد التنزيل ج 2 ص 30 و ص 150، تفسير طبرى ج 25 ص 17، تفسير ابن كثير ج 4 ص 112، الصواعق المحرقة ص 101، نزل الابرار ص 31، ينابيع المودة ص 268 مى‌باشند.

- حدیث سوم

: ابن ابی حاتم از ابن عباس در تفسیر آیه کریمه «و هرکسی کار نیکی کند» «1» نقل کرده است که گفت: مقصود دوستی آل محمد صلّی اللّه علیه و آله است «2».

: احمد «3» و ترمذی «4» و نسایی «5» و حاکم «6» از مطلب بن ربیعة «7»

---

(1)- بخشی از آیه 23 سوره شوری
(2)- خبر مذکور را سیوطی در الدر المنثور ج 6 ص 7 و زمخشری در الکشاف ج 3 ص 468 نقل نموده‌اند و زمخشری پس از ذکر آن گفته است: مقصود از حسنة دوستی خاندان پیامبر صلّی اللّه علیه و آله است. همچنین ابن صباغ مالکی نیز خبر مذکور را در الفصول المهمة ص 29 نقل نموده، گفته است: از سدی از ابن مالک از ابن عباس نقل شده است که گفت: مقصود از حسنه دوستی آل محمد صلّی اللّه علیه و آله است و نیز قرطبی در الجامع لاحکام القرآن ج 16 ص 24 در تفسیر آیه مذکور گفته است: معنی واژه" اقتراف" به دست آوردن است و اصل آن" قرف" به معنای کسب است و اقتراف به معنی اکتساب می‌باشد. برخی از دیگر مصادر این حدیث شامل الصواعق المحرقة ص 101، شواهد التنزیل ج 2 ص 147 و فضائل الخمسة ج 2 ص 67 می‌باشند.
(3)- ابو عبد الله احمد بن محمد بن حنبل بن هلال ذهلی شیبانی مروزی بغدادی در سال 164 ه ق متولد و در سال 241 ه ق در سن 77 سالگی در بغداد درگذشت. وی امام یکی از مذاهب فقهی چهارگانه اهل سنت بوده، از بزرگترین حفاظ و محدثین می‌باشد و یک میلیون حدیث در حافظه داشته است. مهمترین کتاب به جای مانده از او" المسند" می‌باشد. زندگینامه ابن حنبل در شذرات الذهب ج 2 ص 98- 96 و تذکرة الحفاظ ج 2 ص 442- 441 مندرج است.
(4)- ابو عیسی محمد بن عیسی بن سورة بن موسی بن ضحاک سلمی ترمذی، دانشمند و محدث نابینا و شاگرد بخاری بود وی در سال 210 ه ق به دنیا آمد و در طلب علم خراسان، عراق و حجاز را در نور دید.
مهمترین کتابهای باقی‌مانده از او" الجامع الصحیح" و" العلل" می‌باشند وی در سال 279 ه ق در شهر ترمذ در گذشت. زندگینامه ترمذی در شذرات الذهب ج 2 ص 175- 174 تذکرة الحفاظ ج 2 ص 435- 433 وفیات الاعیان ج 1 ص 612، میزان الاعتدال ج 3 ص 117، لباب ابن اثیر ج 1 ص 174، مرآة الجنان ج 2 ص 193، النجوم الزاهرة ج 3 ص 71 و تهذیب التهذیب ج 9 ص 387 درج شده است.
(5)- ابو عبد الرحمن احمد بن شعیب بن علی بن سنان بن بحر النسائی در سال 215 ه ق در شهر نسا (یکی از شهرهای خراسان) متولد شد و از

علمای خراسان، عراق، حجاز، شام و مصر استماع حدیث نمود. او از بزرگترین علمای حدیث بود و مدتها در مصر اقامت داشت و بعدها ساکن دمشق گردید. وی در سال 303 ه ق در فلسطین و در سن 88 سالگی درگذشت. گفته شده است که جسد وی از فلسطین به مکه حمل و در آنجا دفن گردید. مهمترین کتب به جای مانده از نسابی" السنن" و" الخصائص" می‌باشد. زندگینامه وی در طبقات الشافعیة ج 3 ص 16- 14، وفیات الاعیان ج 1 ص 25، شذرات الذهب ج 2 ص 241- 239، تهذیب التهذیب ج 10 ص 36 و مرآة الجنان ج 2 ص 24 مندرج است.

(6)- حاکم ابو عبد الله محمد بن محمد بن حمدویه بن نعیم طهمانی نیشابوری در سال 321 ه ق متولد شد و در سن 20 سالگی به عراق رفت بعدها نیز در خراسان و ما وراء النهر به طلب علم سیاحتها نمود. وی مدتی قاضی شهر نسا بود لیکن بعدها از این امر استعفا نمود. او مکررا سمت سفارت آل بویه را عهده‌دار بود و در علم حدیث از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود. دارقطنی، واسطی، بیهقی و دیگر محدثان بزرگ از وی روایت حدیث می‌نمودند از جمله تألیفات حاکم نیشابوری" مستدرک الصحیحین" و نیز" المدخل الی العلم الصحیح" است وی در سال 405 ه ق درگذشت. زندگینامه حاکم در تذکرة الحفاظ ج 3 ص 1049- 1045، وفیات الاعیان ج 4 ص 408 و اعلام المحدثین ص 324 مندرج است.

(7)- مطلب بن ربیعة بن حرث بن عبد المطلب بن هاشم هاشمی فرزند ربیعة بن حرث و أم الحکم بنت زبیر بن عبد المطلب می‌باشد وی از پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و علی علیه السّلام احادیثی نقل نموده است. افرادی که از وی حدیث روایت کرده‌اند فرزندش عبد الله و عبد الله بن حرث بن نوفل هستند. علمای انساب، او را مطلب خوانده‌اند حال آنکه برخی از محدثین وی را عبد المطلب نیز نامیده‌اند. در مدینه و سپس شام ساکن بود و در سال 62 ه ق در گذشت. زندگینامه وی در الاصابة ج 4 ص 191- 190 و نیز ج 6 ص 104 و همچنین الاستیعاب ج 3 ص 413 مندرج است.

نقل کرده‌اند که گفت: پیامبر صلّی اللّه علیه و آله فرمود: به خدا سوگند «ایمان» «8» داخل دل مسلمان نمی‌شود تا آن هنگام که شما را برای خدا و به خاطر خویشاوندی با من دوست بدارد «9».

: مسلم «10»، ترمذی و نسایی از زید بن ارقم «11» نقل کرده‌اند که پیامبر

---

(8)- واژه" ایمان" در نسخه‌های (ش)، (ن) و (ه) وجود دارد و در سایر نسخ یافت نمی‌گردد از این رو با حذف واژه مذکور معنی حدیث بدین صورت در می‌آید" خداوند داخل قلب مسلمان وارد نمی‌گردد تا آن هنگام که شما را برای خدا و به خاطر خویشاوندی با من دوست بدارد"
(9)- حدیث مذکور را احمد در المسند ج 3 ص 210 ح 177 به اسناد خویش از مطلب بن ربیعة چنین نقل کرده است که عباس (عموی پیامبر صلّی اللّه علیه و آله بر آن حضرت وارد شد و عرضه داشت: یا رسول الله صلّی اللّه علیه و آله در پاره‌ای موارد قریش با یکدیگر مشغول گفتگو هستند و چون ما را می‌بینند ساکت می‌شوند رسول صلّی اللّه علیه و آله از شنیدن این سخن خشمناک شد و فرمود: و الله لا یدخل قلب امری مسلم ایمان حتی یحبکم لله و لقرابتی. ترمذی نیز مشابه همین حدیث را در" الجامع الصحیح" ج 2 ص 305- 304 در باب مناقب عباس بن عبد المطلب نقل نموده در ادامه افزوده است که حدیث مذکور صحیح می‌باشد سیوطی نیز آن را در الدر المنثور ج 6 ص 7 و در ذیل آیه قل لا اسألکم علیه اجرا الا المودة فی القربی نقل نموده است حدیث مزبور همچنین در ذخائر العقبی طبری ص 29 کنز العمال متقی هندی ج 6 ص 218- ج 7 ص 102 و همچنین مشکاة المصابیح خطیب تبریزی ج 3 ص 259- 258 نیز نقل گردیده است.
(10)- ابو الحسین مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری در سال 202 (یا 206) ه ق متولد گردید وی بارها به بغداد سفر نمود و در سال 261 ه ق در قریه نصرآباد از توابع نیشابور درگذشت وی فقیه و محدثی نامبردار بود.
مهمترین کتاب به جای مانده از وی «الجامع الصحیح» می‌باشد زندگینامه او در تذکرة الحفاظ ج 2 ص 150، طبقات الحنابلة ص 246، مرآة الجنان ج 2 ص 174 وفیات الاعیان ج 2 ص 119، تاریخ بغداد ج 3 ص 14- 100 و بستان المحدثین ص 104 مندرج است.
(11)- زید بن ارقم بن زید انصاری خزرجی مطابق قول ذهبی در شمار اهل بیعت رضوان بود و در 17 غزوه نیز حضور داشت او همچنین در جنگ صفین در شمار سپاهیان امام علی علیه السّلام بود. زید در سال 66 ه ق و در روزگار مختار در کوفه درگذشت. زندگینامه او در تذکرة الحفاظ ج 1

ص 45، الاصابة ج 3 ص 21 و الإستیعاب ج 1 ص 566 و 578 مندرج است.
إحياء الميت، السيوطى ،متن،ص:60
خدا صلّى اللّه عليه و آله فرمود: خدا را در مورد خانواده‌ام یادآورتان می‌گردم «1».

- حدیث ششم

: ترمذی با سند حسن و نیز حاکم از زید بن ارقم نقل کرده‌اند که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: من در میان شما چیزی باقی می‌گذارم که تا هنگامی که بدان چنگ زده باشید هیچ‌گاه پس از من گمراه نخواهید شد، کتاب خدا و نزدیکان از خانواده‌ام را و آن دو تا وقتی که در کنار حوض بر من وارد گردند هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد. پس بنگرید که در نبود من چگونه آن دو را پاس می‌دارید «2».

---

(1)- حدیث مذکور را سیوطی در اینجا به طور مختصر نقل کرده است و متن مفصل آنکه مسلم در باب فضائل علی بن ابی طالب علیه السّلام از کتاب فضائل الصحابه «الجامع الصحیح» به اسناد خویش از یزید بن حیان نقل نموده به شرح ذیل است:

یزید بن حیان گفته است من و حصین بن سمرة به اتفاق عمر بن مسلم نزد زید بن ارقم بودیم در این ملاقات حصین بدو گفت: ای زید بن ارقم حقا که بسیار سعادتمند هستی زیرا پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله را به چشم خویش دیدی، سخنان آن حضرت را شنیده، در رکاب وی جنگیده، پشت سرش به نماز ایستاده‌ای، پس قدری از سخنان آن حضرت را برای ما بازگو نما. زید در پاسخ وی گفت: پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله در کنار برکه‌ای که ما بین مکه و مدینه بود و «خم» نام داشت به سخنرانی ایستاد و پس از ستایش خداوند و موعظه فرمود:" اما بعد الا یا ایها الناس فانما انا بشر و یوشک ان یأتی رسول ربی فاجیب و انا تارک فیکم الثقلین: اولهما کتاب الله فیه الهدی و النور فخذوا بکتاب الله و استمسکوا به و اهل بیتی اذکرکم الله فی اهل بیتی، اذکرکم الله فی اهل بیتی، اذکرکم الله فی اهل بیتی."

یعنی: ای مردم آگاه باشید که من هم بشری هستم و گویا می‌بایست پاسخگوی پیک پروردگارم باشم و من در میان شما دو چیز گرانبها باقی می‌گذارم نخست کتاب خدا که در آن هدایت و نور است. پس کتاب خدا را فرا بگیرید و بدان چنگ زنید، آنگاه حضرت فرمود: و خانواده‌ام، خدا را در مورد خانواده‌ام یادآورتان می‌گردم، خدا را در مورد خانواده‌ام یادآورتان میگردم، خدا را در مورد خانواده‌ام یادآورتان میگردم. حدیث مزبور به نحوی که بیان شد در صحیح مسلم ج 4 ص 1873، مسند احمد بن حنبل ج 4 ص 467- 466، کنز العمال متقی هندی ج 1 ص 159- 158 مندرج است همچنین سیوطی نیز در الدر المنثور ج 6 ص 7 خلاصه حدیث مذکور را به نقل از مسلم، ترمذی و نسایی آورده است. برخی از دیگر مصادر

حدیث مذکور شامل الاکلیل ص 190، القول الفصل ج 1 ص 489، عین المیزان ص 12 و فتح البیان ج 7 ص 277 می‌باشند.
(2)- حدیث مذکور را ترمذی در" الجامع الصحیح" باب مناقب اهل البیت علیهم السلام ج 2 ص 308 آورده و در پایان نقل آن گفته است که حدیث مزبور حسن و غریب است حاکم نیشابوری نیز در ص 109 ج 3 مستدرک الصحیحین حدیث مذکور را چنین نقل کرده است: هنگامی که پیامبر صلّی اللّه علیه و آله از حجة الوداع بازگشت فرمود در غدیر خم (نام برکه‌ای) فرود آمد و امر نمود سایبانهایی بپادارند و سپس فرمود:" کأنی قد دعیت فاجبت، انی تارک فیکم الثقلین احدهما اکبر من الاخر، کتاب الله و عترتی، فانظروا کیف تخلفونی فیهما فانهما لن یتفرقا حتی یردا علیّ الحوض" ثم قال صلّی اللّه علیه و آله:" ان الله عز و جل مولای و انا مولی کل مؤمن" ثم اخذ بید علی علیه السّلام فقال صلّی اللّه علیه و آله:" من کنت مولاه فهذا ولیه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه"
إحیاء المیت، السیوطی ،متن،ص:61

- حدیث هفتم

: عبد بن حمید «1» در مسند خویش از زید بن ثابت «2» نقل نموده است که

یعنی: گوئیا من (به سوی خداوند) فرا خوانده شده‌ام و می‌بایست پاسخگوی این دعوت باشم. من در بین شما دو چیز گرانبها به‌جا می‌گذارم که یکی از آنها از دیگری بزرگتر است، کتاب خدا و نزدیکانم را پس بنگرید که در نبود من چگونه آن دو را پاس می‌دارید و به درستی که آن دو تا هنگامی که در کنار حوض بر من وارد گردند هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند." آنگاه فرمود: به درستی که خداوند عز و جل سرپرست من است و منهم سرپرست هر مؤمنی هستم" سپس دست علی علیه السّلام را گرفته فرمود: هرکس که من سرپرست او هستم این مرد سرپرست اوست بار خدایا یاری نما هرکسی که او را یاور باشد و دشمن بدار هرآن‌کس که وی را دشمن می‌دارد". حاکم پس از نقل این حدیث گفته است: این حدیث با در نظر گرفتن شرط شیخین (مسلم و بخاری) صحیح است (توضیح: مسلم و بخاری در صحیحین خویش احادیث دارای شرائط مخصوص را نقل کرده‌اند و یک حدیث ممکن است دارای شرط مسلم یا بخاری و یا هر دوی آنها باشد. مسلم احادیث نبوی را به سه دسته منقسم می‌نماید: الف- اخباری که راویان آنها دارای اعتقاد صحیح و نیز اتقان در نقل هستند و در روایتشان اختلاف شدید و غلط فاحش وجود ندارد ب- اخباری که راویان آنها از لحاظ حفظ و اتقان به پایه راویان اخبار مندرج در بند الف نمی‌رسند ج- اخباری که راویان آنها در نزد اغلب اهل حدیث متهم می‌باشند و مسلم اخبار روایت شده از راویان دسته اخیر را در کتاب خویش نقل ننموده است شرط بخاری بنا به نقل حافظ ابو الفضل بن طاهر آن است که:" راویان خبر همگی موثق بوده این وثاقت مورد اتفاق اهل حدیث باشد بعلاوه لازم است سند خبر متصل بوده و به یکی از صحابه مشهور منتهی گردد". بنا به قول حافظ ابو بکر حازمی" شرط بخاری آن است که اسناد خبر متصل، راویش مسلمان و راستگو، و به دور از خیانت و غش بوده، متصف به عدالت، حفظ، سلامت اعتقاد و دوری از اشتباه باشد. جهت اطلاع بیشتر می‌توان به صحیح مسلم ج 1 ص 2 و فتح الباری بشرح صحیح البخاری ج 1 ص 7 مراجعه نمود- مترجم). نسایی نیز حدیث مذکور را با اندک اختلاف در لفظ در ص 21 کتاب" الخصائص" نقل نموده، در پایان آن آورده است که به زید بن ارقم گفته شد: آیا تو خود این حدیث را از پیامبر صلّی اللّه علیه و آله شنیدی؟ وی در پاسخ گفت: هیچ‌یک از

افراد زیر سایبانها باقی نماند مگر آنکه پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله را دیده این حدیث را از ایشان شنید حدیث مذکور را متقی هندی در ص 154 ج 1 کنز العمال و نیز محب الدین طبری در ص 16 کتاب ذخائر العقبی باب فضل اهل البیت (علیهم السلام) به نقل از ترمذی آورده‌اند. برخی از دیگر مصادر حدیث مذکور شامل: مسند احمد ج 3 ص 17 و ج 4 ص 366، سنن بیهقی ج 2 ص 148 و ج 7 ص 30، سنن دارمی ج 2 ص 431، مشکل الآثار ج 4 ص 368، اسد الغابة ج 2 ص 12، مستدرک الصحیحین ج 3 ص 109 و ص 148، مجمع الزوائد ج 1 ص 163 و ج 10 ص 363، طبقات ابن سعد ج 2 ص 2، حلیة الاولیاء ج 1 ص 355، تاریخ بغداد ج 8 ص 442، الصواعق المحرقة ص 75، الریاض النضرة ج 2 ص 177، نزل الابرار ص 33، ینابیع المودة ص 31، مصابیح السنة ص 205، جامع الاصول ج 1 ص 187، المواهب اللدنیة ج 7 ص 7 می‌باشند.

(1)- ابو محمد عبد بن حمید بن نصر کشی از اهالی روستای کش سمرقند بود و از عبد الرزاق بن همام، ابو داود طیالسی و دیگران روایت حدیث می‌نمود. بخاری، مسلم و ترمذی از وی روایاتی نقل کرده‌اند. او از ثقات و از جمله دانشمندانی است که در زمینه حدیث و تفسیر، تألیفاتی دارند وی در سال 249 ه ق. درگذشت. زندگینامه وی در تهذیب التهذیب ج 6 ص 457- 455، رجال قیسرانی ص 337، شذرات الذهب ج 2 ص 120، تذکرة الحفاظ ج 2 ص 534 و طبقات الحفاظ سیوطی ج 2 ص 4 موجود است.

(2)- ابو سعید زید بن ثابت بن ضحاک انصاری خزرجی از کتّاب وحی بود و در سال 45 ه ق. درگذشت.

پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: میان شما چیزی باقی می‌گذارم که پس از من تا آنگاه که بدان متمسک باشید هرگز گمراه نخواهید شد، کتاب خدا و نزدیکان از خاندانم را و آن دو هیچ‌گاه تا هنگامی که در کنار حوض بر من وارد گردند از یکدیگر جدا نخواهند گشت «1».

- حدیث هشتم

: احمد بن حنبل و ابو یعلی «2» از ابو سعید خدری «3» نقل کرده‌اند که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: گمان دارم (به سوی خداوند) فرا خوانده شده‌ام و پاسخگوی این دعوت هستم و همانا میان شما دو چیز گرانبها به‌جای میگذارم، کتاب خدا و نزدیکان از خانواده‌ام را و به درستی که خداوند لطیف خبیر مرا آگاه ساخت که آن دو هیچ‌گاه از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا آن هنگام که در کنار حوض بر من وارد گردند پس بنگرید که پس از من چگونه آنها را پاس می‌دارید «4».

- حدیث نهم

: ترمذی (به سند صحیح)، طبرانی و حاکم از ابن عباس نقل کرده‌اند که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: خداوند را دوست بدارید چرا که از نعمتهای وی بر می‌خورید و مرا

زندگینامه وی در الاصابة ج 1 ص 562- 561، الاستیعاب ج 1 ص 554- 551 و تذکرة الحفاظ ج 3 ص 23- 22 مندرج است.
(1)- حدیث مذکور در ص 48 نسخه خطی «مسند» عبد بن حمید که در کتابخانه ظاهریه دمشق موجود است مندرج می‌باشد همچنین متقی هندی نیز آن را به نقل از مسند عبد بن حمید در کنز العمال ج 1 ص 166 آورده است. این حدیث در العقد الفرید ج 2 ص 111 نیز وارد گردیده است.
(2)- حافظ ابو یعلی احمد بن علی بن مثنی بن یحیی بن عیسی بن هلال تمیمی موصلی، محدث الجزیرة و صاحب کتاب «المسند الکبیر» در شوال سال 210 ه ق. در موصل متولد شد و از احمد بن حاتم طویل، یحیی بن معین و دیگران حدیث آموخت. معروفترین کتاب وی «المسند الکبیر» است. وی در سال 307 ه ق. درگذشت.
زندگینامه او در معجم البلدان ج 5 ص 225، شذرات الذهب ج 2 ص 250 و تذکرة الحفاظ ج 2 ص 709- 707 مندرج است.
(3)- ابو سعید سعد بن مالک بن سنان بن عبید انصاری خزرجی مدنی خدری سه سال قبل از هجرت به دنیا آمد از جمله صحابه دانشمند و از افرادی بود که در بیعت شجرة حضور داشتند. وی در 12 غزوه حضور داشت و در سال 72 ه ق در مدینه درگذشت. پدر وی نیز از شهدای جنگ احد بوده است. در صحیح بخاری 16 و در صحیح مسلم 52 حدیث از وی نقل گردیده است. زندگینامه وی در حلیة الاولیاء ج 1 ص 299، الاصابة ج 2 ص 86- 85، الاستیعاب ج 4 ص 89 و تذکرة الحفاظ ج 1 ص 44 مندرج است.
(4)- حدیث مذکور در مسند احمد ج 2 ص 71، مسند ابو یعلی ج 1 ص 387 (نسخه خطی کتابخانه ظاهریه دمشق)، معجم کبیر طبرانی ج 1 ص 129 (نسخه خطی)، کنز العمال ج 1 ص 168- 167 طبقات ابن سعد ج 2 ص 194 و ذخائر العقبی ص 16 نقل گردیده است.

هم بخاطر خدا دوست داشته باشید و خانواده مرا نیز به پاس دوستی من، دوست بدارید «1».

- حدیث دهم

: بخاری «2» از ابو بکر «3» نقل کرده است که گفت: مراقب (حفظ حقوق) پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله در مورد خانواده‌اش «4» باشید.

- حدیث یازدهم

: طبرانی و حاکم از ابن عباس نقل نموده‌اند که پیامبر صلّی اللّه علیه و آله فرمود: ای فرزندان عبد المطلب من از خدا سه چیز را برای شما درخواست نموده‌ام: از او خواسته‌ام که ایستادگان شما را پا برجای دارد و نادانهای شما را تعلیم نماید و گم‌گشتگان شما را هدایت فرماید و از او خواسته‌ام شما را سخاوتمند، راد و پرمهر قرار دهد پس هرگاه فردی

---

(1)- حدیث مذکور را ترمذی در الجامع الصحیح ج 2 ص 308 کتاب مناقب اهل البیت: به اسناد خویش از ابن عباس نقل کرده در دنباله آن افزوده است که حدیث مذکور از نظر اسناد حسن و غریب می‌باشد. طبرانی نیز آن را در المعجم الکبیر ج 1 ص 125 و ج 3 ص 93 نقل کرده است. همچنین سیوطی نیز آن را به نقل از ترمذی، طبرانی، حاکم و بیهقی، در الدر المنثور ج 6 ص 7 آورده است. دیگر مصادر حدیث مزبور مستدرک حاکم ج 2 ص 149، کنز العمال ج 6 ص 316، منتخب کنز العمال ج 5 ص 93، جامع الاصول ابن اثیر ج 9 ص 154 و ذخائر العقبی ص 18 مستدرک الصحیحین ج 3 ص 150، جامع الاصول ج 10 ص 100، میزان الاعتدال ج 2 ص 43، تاریخ بغداد ج 4 ص 159، اسد الغابة ج 2 ص 12، مشکاة المصابیح ص 573 نزل الابرار ص 34 و ینابیع المودة ص 192 و ص 271 می‌باشند.

(2)- ابو عبد الله محمد بن إسماعیل بن ابراهیم بن مغیرة بن برزویه بخاری مؤلف کتاب «الجامع الصحیح» در سال 194 ه ق. در بخارا متولد و به سال 256 ه ق. در قریه خرتنک سمرقند درگذشت زندگینامه وی در تذکرة الحفاظ ج 2 ص 557- 555، تاریخ بغداد ج 2 ص 16- 4 الجرح و التعدیل ج 3 ص 191، تاریخ بغداد ج 2 ص 34، وفیات الاعیان ج 1 ص 576، شذرات الذهب ج 2 ص 134 و جامع الاصول ج 1 ص 186- 185 مندرج است.

(3)- ابو بکر عبد الله بن عثمان قرشی تمیمی از اصحاب پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و در غار ثور با آن حضرت بود. نام وی در زمان جاهلیت عبد العزی یا عبد اللات بود و پس از قبول اسلام عبد الله خوانده شد. وی پس از رحلت پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله به حکومت رسید و در دوران حکومت برخی نواحی عراق و فلسطین را فتح نمود و عاقبت پس از دو سال و اندی در سال 13 ه ق. در سن 63 سالگی درگذشت. زندگینامه ابو بکر در الاصابة ج 4 ص 104- 97 و تذکرة الحفاظ ج 1 ص 5- 2 مندرج است.

(4)- خبر مذکور را بخاری در الجامع الصحیح ج 3 ص 251 باب فضائل قرابة رسول الله صلّی اللّه علیه و آله، طبری در ذخائر العقبی ص 18، متقی هندی در کنز العمال ج 7 ص 106 ابن حجر در الصواعق المحرقة ص 228 و سیوطی در الدر المنثور ج 6 ص 7 نقل نموده‌اند و ایکاش خلیفه أوّل خود به این گفته عمل می‌نمودند. جهت اطلاع بیشتر از رفتار ایشان با اهل البیت: می‌توان به کتاب النص و الاجتهاد سید عبد الحسین شرف الدین فصل اوّل موارد شماره 1، 7 و 8 و 9 مراجعه نمود.

بین رکن و مقام «1» به‌پا ایستاده نماز بگذارد و روزه بگیرد (و عمر خود را صرف این کار نماید) و سپس با بغض اهل بیت محمد صلّی اللّه علیه و آله بمیرد داخل آتش می‌گردد «2».

- حدیث دوازدهم

: طبرانی از ابن عباس نقل کرده است که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود:
بغض بنی هاشم «3» و انصار به منزله کفر و بغض عرب نشانه نفاق است «4».

- حدیث سیزدهم

: ابن عدی «5» در کامل از ابی سعید خدری نقل نموده است که پیامبر صلّی اللّه علیه و آله فرمود: هرآن‌کس ما اهل البیت علیهم السّلام را دشمن بدارد منافق است «6».

---

(1)- نام دو مکان مقدس در مسجد الحرام (مترجم).
(2)- حدیث مذکور را طبرانی در المعجم الکبیر ج 3 ص 121 و حاکم نیشابوری در مستدرک الصحیحین ج 3 ص 148 نقل نموده‌اند. حاکم این حدیث را با اسناد مرفوع از ابن عباس نقل کرده در دنباله آن افزوده است که این حدیث با توجه به شرط مسلم صحیح می‌باشد. دیگر مصادر حدیث مزبور شامل مجمع الزوائد هیثمی ج 9 ص 171، منتخب کنز العمال ج 5 ص 306، کنز العمال ج 6 ص 203 تاریخ بغداد ج 3 ص 122، الصواعق المحرقة ص 140 می‌باشد. محب الدین طبری مختصر حدیث مذکور را در ذخائر العقبی ص 18 نقل نموده و گفته است که ملا علی قاری آن را در کتاب السیرة آورده است. همچنین دیلمی نیز حدیث مذکور را در مسند الفردوس (نسخه خطی کتابخانه لاله‌لی) به نقل از ابن عباس چنین نقل نموده است: لو أن رجلا صفن قدمیه بین الرکن و المقام و صام و صلی ثم لقی الله مبغضا لآل محمّد صلّی اللّه علیه و آله دخل النار یعنی هرگاه فردی بین رکن و مقام به‌پا ایستاده (روزگار خویش را با) روزه و نماز بگذراند و آنگاه با بغض آل محمّد صلّی اللّه علیه و آله بمیرد داخل آتش می‌گردد.
(3)- در صحت حدیث مزبور باید به دیده تردید نگریست چرا که به نص قرآن کریم ملاک فضلیت انسانها تقوی است. بعلاوه پیامبر صلّی اللّه علیه و آله در مواردی فرموده است که عرب بر عجم و قرشی بر حبشی فضیلتی ندارند مگر به واسطه تقوی و به احتمال قوی این حدیث از پرداخته‌های دوران شعوبیگری است. همچنین به نص قرآن کریم ابو لهب که از مشایخ بنی هاشم بوده است مطرود درگاه إلهی و در دوزخ معذب می‌باشد و فضیلت اهل البیت علیهم السّلام نه به دلیل هاشمی بودن که به دلیل کرامت ذات و لیاقت شخصی آنها می‌باشد. (مترجم)
(4)- حدیث مذکور را هیثمی در مجمع الزوائد ج 2 ص 172 و متقی در کنز العمال ج 6 ص 204 نقل نموده است.
(5)- ابو احمد عبد الله بن عدی جرجانی معروف به ابن قطان در سال 277 ه ق. در جرجان متولد گردید و در سال 365 ه ق. درگذشت. وی محدثی فقیه و آگاه به احوال رجال بود و در طلب علم به نقاط مختلف

سفرها نمود. برخی از تألیفات وی عبارتند از: الکامل، المعجم، الانتصار و اسماء الصحابة، زندگینامه وی در تذکرة الحفاظ ج 3 ص 940، لسان المیزان ج 1 ص 6 اللباب ج 1 ص 219 و شذرات الذهب ج 3 ص 51 مندرج است.

(6)- حدیث مذکور را محب الدین طبری در ص 180 ذخائر العقبی به نقل از مناقب احمد بن حنبل آورده است. مناوی نیز آن را در ص 134 کنوز الحقائق نقل کرده است. همچنین سیوطی نیز آن را در الدر المنثور ج 6 ص 7 نقل نموده است. حدیث مذکور در برخی نسخ بدین ترتیب نقل گردیده است: من ابغض اهل البیت علیهم السّلام فهو منافق یعنی هرآن‌کس که اهل بیت علیهم السلام را دشمن بدارد منافق است. این حدیث در ص 47 ینابیع المودة قندوزی نیز وارد شده است.

إحیاء المیت، السیوطی ،متن،ص:65

- حدیث چهاردهم

: ابن حبّان «1» در صحیح خویش و حاکم نیشابوری (در مستدرک الصحیحین) از ابو سعید خدری نقل نموده‌اند که پیامبر صلّی اللّه علیه و آله فرمود: سوگند به آنکه جانم در دست اوست، کسی ما اهل البیت علیهم السّلام را دشمن نمی‌دارد مگر آنکه خداوند او را در آتش داخل می‌نماید «2».

- حدیث پانزدهم

: طبرانی از امام حسن بن علی علیه السّلام «3» نقل نموده است که خطاب به معاویة بن خدیج «4» فرمود: ای معاویة بن خدیج از دشمنی ما اهل البیت علیهم السّلام به پرهیز چرا

---

(1)- ابو حاتم محمد بن حبّان بن احمد بن حبّان تمیمی بستی در سال 270 ه ق متولد گردید و در زمینه فقه، حدیث، طب، لغت و ستاره‌شناسی نام‌آور بود. او همچنین قاضی سمرقند و صاحب تألیفاتی چند بوده است. از تألیفات وی المسند الصحیح، التاریخ، و کتاب الضعفا میباشد. وی در طول حیات خویش در شهرهای نیشابور، بخارا، نسا و سیستان اقامت داشت و عاقبت نیز در شوال سال 354 ه ق در همان‌جا درگذشت. زندگینامه او در تذکرة الحفاظ ج 3 ص 924- 920 مندرج است.
(2)- حدیث مذکور را هیثمی در ص 555 موارد الظمآن الی زوائد ابن حبان با حذف واژه (اهل البیت) نقل نموده است. همچنین حاکم نیز حدیث مزبور را در مستدرک الصحیحین ج 3 ص 150 نقل نموده و آن را به شرط مسلم صحیح دانسته است. سیوطی نیز آن را در الخصائص الکبری ج 2 ص 266 و الدر المنثور ج 6 ص 218 آورده و گفته است که احمد بن حنبل، حاکم نیشابوری و ابن حبّان آن را از ابو سعید خدری نقل نموده‌اند. این حدیث در ص 237 الصواعق المحرقة نیز وارد شده است.
(3)- امام ابو محمد حسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام در 15 رمضان سال 2 ه ق. متولد گردید. پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله در شأن وی و برادرش امام حسین علیهما السّلام فرمود: الحسن و الحسین سید اشباب اهل الجنة یعنی حسن و حسین علیهما السّلام سرور جوانان بهشتی هستند. پس از شهادت علی علیه السّلام مردم عراق با آن حضرت بیعت نمودند. پس از این بیعت آن حضرت برای نبرد با معاویة آراست و به مقابله وی شتافت لیکن به دلیل خیانت سران لشکر و نافرمانی سپاهیان به دنبال تطمیعهای معاویه، آن حضرت ناگزیر به صلح گردید و به مدینه بازگشت. آن حضرت در سال 50 ه ق. به تحریک معاویه توسط همسرش جعده مسموم و شهید گردید زندگینامه آن حضرت در کتابهای بی‌شمار مندرج است که برخی از آنها عبارتند از: فی رحاب ائمة اهل البیت: ج 2 ص 46- 2، حلیة الاولیاء ج 2 ص 45- 39، الاستیعاب ج 1 ص 394 و 383 و الاصابة ج 2 ص 13- 11.
(4)- معاویة بن خدیج بن عقبة سکونی کندی از مقربان معاویه و به بغض اهل البیت: مشهور بوده است.

مدائنی از ابو طفیل نقل نموده است که امام حسن علیه السّلام به یکی از یاران خویش فرمود: أ تعرف معاویة بن خدیج؟
یعنی آیا معاویة بن خدیج را می‌شناسی؟ آن فرد پاسخ مثبت داد. پس امام مجتبی علیه السّلام فرمود: اذا رایته فاعلمنی یعنی هرگاه او را دیدی به من خبر ده. پس آن فرد معاویة بن خدیج را در حال خروج از خانه عمرو بن حریث دید و به امام علیه السّلام عرض کرد این مرد معاویة بن خدیج است. حضرت او را صدا زده فرمود: انت شاتم علیا عند ابن آکلة الاکباد؟
یعنی آیا تو هستی که نزد پسر زن جگرخواره (هند) علی را دشنام می‌دهی؟ و الله لئن وردت الحوض و لا ترده لترینه مشمرا عن ساقیه حاسرا عن ذراعیه یذود عنه المنافقین. یعنی: به خدا سوگند هرگاه به کنار آن حوض درآیی و هیچ‌گاه بدان در نخواهی آمد علی علیه السّلام را می‌بینی که پاها و آستینها را بالا زده منافقان را
إحیاء المیت، السیوطي ،متن،ص:66
که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: هیچ‌کس ما را دشمن نمی‌دارد و به ما حسادت نمی‌ورزد مگر آنکه در روز رستاخیز با تازیانه‌های آتشین از کناره حوض رانده می‌شود «1».

- حدیث شانزدهم

: ابن عدی و بیهقی «2» (در شعب الایمان) از علی علیه السّلام نقل کرده‌اند که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: هرآن‌کس که حق‌شناس عترت من و انصار نباشد منافق و یا حرامزاده است و یا آنکه (وجود وی) در هنگام ناپاکی تکوین یافته است یعنی مادرش در دوران ناپاکی (قاعدگی) بار وی را برداشته است «3».

- حدیث هفدهم

: طبرانی در المعجم الاوسط از ابن عمر «4» نقل کرده است که آخرین

---

(1)- حدیث مذکور را طبرانی در المعجم الکبیر ج 1 ص 142، هیثمی در مجمع الزوائد ج 9 ص 172، متقی هندی در کنز العمال ج 6 ص 218 و منتخب کنز العمال ج 5 ص 94، سیوطی در الدر المنثور ج 6 ص 7 نقل نموده‌اند. طبرانی در هنگام نقل این حدیث قضیه‌ای را به شرح ذیل آورده است: ابو مسلم عبد الله بن عمرو واقفی کشی به وسائطی از معاویة بن خدیج نقل نموده است که گفت: یزید بن معاویه مرا (معاویة بن خدیج را) به خواستگاری دختر یا خواهر امام مجتبی علیه السّلام فرستاد. هنگامی که این قضیه را به عرض آن حضرت رساندم فرمود: انا قوم لا نزوج نساءنا حتی نستأمرهن فأتها. یعنی ما مردمی هستیم که دخترانمان را به ازدواج کسی در نمی‌آوریم مگر بعد از مشورت با آنها پس تو نیز نزد وی برو (مطلب خود را با او در میان بگذار). معاویة بن خدیج گوید پس از شنیدن سخن امام علیه السّلام به خدمت آن خانم رفته قضیه خواستگاری یزید را با او در میان نهادم فرمود: به خدا سوگند هرگز بدین کار تن در نمی‌دهم زیرا در صورت وقوع این امر رفیق تو (یزید) به فرعون خواهد ماند که پسران بنی اسرائیل را کشته دختران ایشان را به اسارت می‌گرفت. هنگامی که دوباره به خدمت امام حسن علیه السّلام رسیدم بدو عرض کردم: مرا به نزد دختر هوشمند و سخنوری فرستادی که فرزند امیر المؤمنین (یزید) را فرعون می‌خواند. در این هنگام امام علیه السّلام فرمود: یا معاویة ایاک و بغضنا فإن رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله قال: لا یبغضنا و لا یحسدنا احدا الا ذید یوم القیامة بسیاط من النار. یعنی: ای معاویه از بغض ما به پرهیز زیرا پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: هیچ‌کس با ما دشمنی نکرده و به ما حسد نمی‌ورزد مگر آنکه روز قیامت تازیانه‌های آتشین رانده می‌شود. مطلب مذکور در المعجم الکبیر (نسخه خطی کتابخانه ظاهریة دمشق) ج 1 ص 132 مندرج است.

(2)- ابو بکر احمد بن حسین بن علی بن موسی خسروجردی بیهقی در سال 384 ه ق. متولد شد و در سال 458 ه ق. درگذشت از جمله تألیفات وی کتابهای السنن، الآثار، شعب الایمان و دلائل النبوة می‌باشند.

زندگینامه او در تذکرة الحفاظ ج 3 ص 1135- 1132 و الاعلام ج 1 ص 113 مندرج است.

(3)- حدیث مذکور را متقی هندی در کنز العمال ج 6 ص 218 و منتخب کنز العمال ج 5 ص 94 و ابن صباغ مالکی در الفصول المهمة ص 27 و ابن

حجر در الصواعق المحرقة ص 231 نقل نموده‌اند.

(4)- ابو عبد الرحمن عبد الله بن عمر بن الخطاب 10 سال قبل از هجرت در مکه متولد گردید و در سال 73 ه ق. در مکه درگذشت. صاحبان صحاح ست اهل سنت 2630 حدیث از وی را در کتب خویش نقل نموده‌اند.

زندگینامه وی در الاصابة ج 4 ص 109- 107 و نیز تذکرة الحفاظ ج 1 ص 40- 37 مندرج است.

إحياء الميت، السيوطى ،متن،ص:67

جمله‌ای که پیامبر خدا صلّى اللّه عليه و آله بر زبان آورد آن بود که پس از من جانشین من در مورد اهل بیتم باشید «1».

- حدیث هیجدهم

: طبرانی در المعجم الاوسط از امام حسن مجتبی علیه السّلام نقل نموده است که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: دوستی ما اهل البیت را به گردن بگیرید زیرا هرآن‌کس که با دوستی ما بمیرد بوسیله شفاعت ما داخل بهشت می‌گردد سوگند به آن‌کس که جانم در دست اوست عمل هیچ بنده‌ای بدون شناخت حق ما برایش سودمند نخواهد بود «2».

- حدیث نوزدهم

: طبرانی در المعجم الاوسط از جابر بن عبد الله «3» نقل کرده است که گفت: شنیدم که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله در خطبه‌ای می‌فرمود: ای مردم هرآن‌کس که ما اهل البیت را دشمن بدارد خداوند متعال در روز رستاخیز او را یهودی محشور خواهد گردانید «4».

: طبرانی در المعجم الاوسط از عبد الله بن جعفر «5» نقل کرده است که

---

(1)- حدیث مذکور را هیثمی در مجمع الزوائد ج 9 ص 164 به نقل از طبرانی آورده است. ابن حجر مکی نیز آن را در الصواعق المحرقة ص 90 نقل کرده است. دیگر مصدر حدیث مذکور ص 87 کتاب الشرف المؤبد تالیف نبهانی بیروتی می‌باشد.

(2)- حدیث مزبور را ابن حجر در ص 230 الصواعق المحرقة و هیثمی در مجمع الزوائد ج 9 ص 172 به نقل از المعجم الاوسط نقل کرده‌اند.

(3)- ابو عبد الله جابر بن عبد الله بن عمرو انصاری سلمی صحابی جلیل و راوی موثقی است که در سال 20 قبل از هجرت متولد شد و در عقبه ثانیه در حالی که خردسال بود همراه پدرش بخدمت پیامبر صلّی اللّه علیه و آله رسید.

بخاری نقل کرده است که جابر در جنگ بدر عهده‌دار حمل آب بود. وی بعدها در 18 غزوه دیگر نیز حضور داشت. وی (بنا به گفته کلبی) در جنگ صفین حضور داشته در شمار لشکریان امام علی علیه السّلام بود. او از جمله راویان بسیار پرکار و از حافظان احادیث نبوی صلّی اللّه علیه و آله بوده است و صحیفه مشهوری منسوب به او است که اولین فرد در سلسله روایت آن سلیمان بن قیس یشکری می‌باشد. وی در آخر عمر نابینا گردید و در سال 74 ه ق. در سن نود و چهار سالگی در مدینه درگذشت. زندگینامه او در الاستیعاب ج 1 ص 220- 219 طبقات ابن سعد ج 5 ص 467، التهذیب ج 4 ص 214 و اسد الغابة ج 1 ص 358- 356 مندرج است.

(4)- حدیث مذکور را هیثمی در مجمع الزوائد ج 9 ص 172 به نقل از معجم اوسط طبرانی آورده است.

عسقلانی نیز آن را در لسان المیزان ج 3 ص 10 وارد نموده است.

(5)- عبد الله بن جعفر بن ابی طالب هاشمی قرشی از اصحاب پیامبر صلّی اللّه علیه و آله بود. مادر وی اسماء دختر عمیس او را سال اوّل هجری در سرزمین حبشه به دنیا آورد و وی اولین فرزند مسلمانی بوده که در حبشه بدنیا آمد.

سپس با پدرش به مدینه آمد و احادیث پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله را حفظ و روایت نمود. عبد الله بن جعفر بعدها در بصره، کوفه و شام اقامت نمود و از فرط کرم به «دریای بخشش» شهرت یافت. وی در جنگ صفین از سران لشگر امیر المؤمنین علیه السّلام بود و در سال 90 ه ق. در سن

نود سالگی در مدینه درگذشت.

إحياء الميت، السيوطي ،متن،ص:68

گفت از پیامبر خدا صلّى اللّه عليه و آله شنیدم که می‌فرمود: ای فرزندان هاشم من از خدا خواسته‌ام که شما را بزرگوار قرار دهد و از او خواسته‌ام که گمراهان شما را هدایت نماید و خائفین‌تان را امنیت بخشد و گرسنگان شما را سیر سازد سوگند به کسی که جانم در دست اوست هیچ‌یک از ایشان (مسلمانان) ایمان (واقعی) نمی‌آورد مگر آنکه شما را به خاطر من دوست بدارد. (ای مردم) آیا شما امید دارید که بوسیله شفاعت من به بهشت درآیید و فرزندان عبد المطلب این امید را نداشته باشند؟ «1»

: ابن ابی شیبة «2» و مسدد «3» در کتابهای مسند خویش و حاکم (در مستدرک الصحیحین) و حکیم ترمذی «4» در نوادر الاصول و ابو یعلی و طبرانی از سلمة ابن اکوع «5» نقل کرده‌اند که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: ستارگان امان آسمانیان و اهل

---

(1)- حدیث مذکور را هیثمی در مجمع الزوائد ج 9 ص 170 به نقل از معجم اوسط طبرانی آورده است. متقی هندی نیز آن را در کنز العمال ج 6 ص 203 نقل کرده است. همچنین حاکم نیز آن را با مختصر تفاوتی در ص 148 ج 3 مستدرک الصحیحین نقل نموده و آن را به شرط مسلم صحیح دانسته است. ابن حجر نیز حدیث مزبور را در الصواعق المحرقة ص 140 آورده است.
(2)- ابو بکر عبد الله بن محمد بن ابی شیبة ابراهیم بن عثمان کوفی در سال 159 ه ق. به دنیا آمد. وی در رصافة به معلمی اشتغال داشت و از محدثین بسیار مشهور عصر خویش بود و در سال 235 ه ق. درگذشت.

زندگینامه وی در طبقات ابن سعد ج 6 ص 277، فهرست ابن ندیم ص 229، تاریخ بغداد ج 10 ص 71- 66، تذکرة الحفاظ ج 2 ص 433- 432 و شذرات الذهب ج 2 ص 85 مندرج است.
(3)- ابو الحسن مسدد بن مسرهد اسدی بصری فردی است که ابو زرعة، بخاری، ابو داود، قاضی إسماعیل و ابو حنیفه از او حدیث روایت نموده‌اند. وی اولین کسی بود که در شهر بصره به تألیف مسند پرداخت. وی حافظ، حجت و امام مصنفین عصر خویش به شمار آمده، با امام احمد حنبل مکاتباتی داشت. وی در سال 228 ه ق.
درگذشت. زندگینامه او در طبقات الحنابلة ج 1 ص 345- 341 و الاعلام ج 8 ص 108 مندرج است.
(4)- ابو عبد الله محمد بن علی بن حسن بن شیر ملقب به حکیم ترمذی از بزرگان مشایخ خراسان بود. وی از پدر خویش و نیز قتیبة بن سعید و غیرهما روایت حدیث می‌نمود. از مهمترین تألیفات وی نوادر الاصول فی معرفة اخبار الرسول صلّی اللّه علیه و آله، ختم الولایة، علل الشریعة و الفروق می‌باشد. حکیم ترمذی در سال 285 ه ق. در گذشت. زندگینامه او در طبقات الشافعیة ج 2 ص 20، الاعلام ج 7 ص 156 و معجم المؤلفین ج 10 ص 315 مندرج است.
(5)- سلمة بن عمرو بن اکوع از شجاعان و سوارکاران مشهور عرب بود

که در سال 6 قبل از هجرت به دنیا آمد در مراسم بیعة الشجرة با پیامبر صلّی اللّه علیه و آله به قصد فداکاری تا پای جان بیعت نمود. وی در 7 غزوه شرکت داشت و در سال 74 ه ق. درگذشت زندگینامه او در الاصابة ج 3 ص 118 طبقات ابن سعد ج 4 ص 38 مندرج است.

إحیاء المیت، السیوطی ،متن،ص:69

بیت من امان امتم می‌باشند «1».

- حدیث بیست و دوم

: بزار «2» از ابی هریرة «3» نقل کرده است که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: همانا در میان شما دو چیز باقی می‌گذارم که با بودن آن دو هرگز گمراه نخواهید شد کتاب خدا و عترتم را و آن دو هرگز تا هنگامی که در کنار حوض بر من درآیند از یکدیگر جدا نخواهند شد «4».

- حدیث بیست و سوم

: بزار از امام علی علیه السّلام نقل نموده است که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: من در حالی قبض (روح) می‌شوم که در میان شما دو چیز گرانبها «5» کتاب خدا و

---

(1)- حدیث مذکور را حاکم نیشابوری در مستدرک الصحیحین ج 3 ص 457 (با اندک اختلافی در لفظ)، متقی هندی در کنز العمال ج 6 ص 216 و ج 7 ص 217، هیثمی در مجمع الزوائد ج 9 ص 174 (به نقل از طبرانی) روایت نموده‌اند. محب الدین طبری در ص 17 ذخائر العقبی از امام علی علیه السّلام نقل نموده که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: النجوم امان لاهل السماء فاذا ذهبت النجوم ذهب اهل السماء و اهل بیتی امان لاهل الارض فاذا ذهب اهل بیتی ذهب اهل الارض. یعنی: ستارگان امان اهل آسمان هستند پس هرگاه ستارگان از آسمان بروند آسمانیان (از بین) خواهند رفت و اهل بیت من امان برای اهل زمین هستند پس هرگاه اهل بیت من از روی زمین رخت برکشند زمینیان (از بین) خواهند رفت. طبری در دنباله گفته است که حدیث مذکور را احمد بن حنبل در کتاب المناقب نقل کرده است.

(2)- ابو بکر احمد بن عمر و بن عبد الخالق بزار بصری صاحب کتاب «المسند» از بصره به بغداد مهاجرت نمود و در آنجا به مقام محدثی رسید و دو بار نیز به اصفهان مسافرت نمود. وی در سال 291 ه ق. در سهله در گذشت. زندگینامه او در تذکرة الحفاظ ج 2 ص 654- 653، ذکر اخبار اصفهان ج 1 ص 104، لسان المیزان ج 1 ص 237، و تاریخ بغداد ج 4 ص 334 مندرج است.

(3)- ابو هریرة عبد الرحمن بن صخر (یا عمیر بن عامر) دوسی در زمان جاهلیت عبد شمس نام داشت. وی در هنگام فتح خیبر به مدینه آمد و در سال 7 هجری اسلام آورد و با وجود آنکه اواخر عمر پیامبر صلّی اللّه علیه و آله را درک نمود لیکن بیش از همه اصحاب، روایت حدیث نموده است. ابن حجر گفته که به اعتقاد اهل حدیث وی پرحدیث‌ترین اصحاب بوده است. ابو هریرة در سال 58 ه ق. درگذشت. زندگینامه او در الاصابة ج 2 ص 207- 199 و تذکرة الحفاظ ج 1 ص 37- 32 مندرج است [جهت کسب اطلاع بیشتر از شخصیت و تاریخ زندگانی ابو هریرة می‌توان به کتابهای ابو هریرة نگاشته سید عبد الحسین شرف الدین و همچنین شیخ المضیرة نگاشته شیخ محمود ابو ریة مراجعه نمود (مترجم)]

(4)- حدیث مذکور در زوائد مسند بزار ص 277 و مجمع الزوائد ج 9 ص

163 روایت شده است.
(5)- ابن منظور در ماده «ثقل» گفته است: عرب به هر چیز نفیس، ارزشمند و لایق نگهبانی ثقل گوید و تسمیه قرآن و عترت به ثقلین از سوی پیامبر صلّی اللّه علیه و آله جهت بزرگداشت مقام و تعظیم شأن آن دو بوده است. به اعتقاد ثعلب (از لغویان بزرگ) نامیده شدن قرآن و عترت به نام ثقلین بدان جهت است که پیروی از آنها دشوار است. جهت اطلاع بیشتر می‌توان به لسان العرب ج 11 ص 88 مراجعه نمود.
إحیاء المیت، السیوطی ،متن،ص:70
عترتم را به جا می‌گذارم و با بودن آن دو شما هیچ‌گاه گمراه نخواهید شد «1».

- حدیث بیست و چهارم

: بزار از ابن عباس نقل نموده است که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: مثل اهل بیت من مثل کشتی نوح است که هرکس بدان درآمد نجات یافت و هرکس از آن بازماند غرق شد «2».

- حدیث بیست و پنجم

: بزار از عبد الله بن زبیر «3» نقل کرده است که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: مثل اهل بیت من مثل کشتی نوح است که هرکس بدان درآمد نجات یافت و هرکس که آن را رها کرد غرق شد «4».

- حدیث بیست و ششم

: طبرانی از ابو ذر «5» نقل کرده است که گفت از پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله

---

(1)- حدیث مذکور در زوائد مسند بزار ص 277 و مجمع الزوائد ج 9 ص 163 نقل شده است.
(2)- حدیث مذکور را ابن حجر عسقلانی در زوائد مسند بزار ص 277، هیثمی در مجمع الزوائد ج 9 ص 168، طبرانی در المعجم الکبیر ج 1 ص 125، محب الدین طبری در ذخائر العقبی ص 20 و متقی هندی در منتخب کنز العمال ج 5 ص 92 روایت نموده‌اند.
(3)- ابو بکر عبد الله بن زبیر بن عوام بن خویلد قرشی اسدی بنا به قول واحدی در سال 2 ه ق. متولد شد. وی در زمان حکومت عثمان در فتح افریقا شرکت داشت و در اوائل خلافت امیر المؤمنین علیه السّلام یکی از محرکین اصلی ایجاد جنگ جمل بود و پس از شهادت امام علی علیه السّلام با معاویه بیعت نمود. پس از مرگ یزید خواست از مردم برای خود بیعت بگیرد لیکن عبد الملک بن مروان لشکری به فرماندهی حجاج بن یوسف ثقفی به سرکوبی وی فرستاد. عبد الله بن زبیر در سال 73 ه ق. کشته شد. زندگینامه وی در الاصابة ج 4 ص 71- 67 و الاعلام ج 4 ص 218 مندرج است.
(4)- حدیث مذکور را ابن حجر عسقلانی در زوائد مسند بزار ص 277 ابن حجر هیثمی در مجمع الزوائد ج 9 ص 868، ابو نعیم اصفهانی در حلیة الاولیاء ج 4 ص 306 و متقی هندی در کنز العمال ج 6 ص 216 نقل نموده‌اند.
(5)- ابو ذر جندب بن جناده غفاری یکی از اولین افرادی که به پیامبر صلّی اللّه علیه و آله ایمان آورد. وی در آغاز بیعت مسلمان گردید و یکی از پنج نفری بود که در آغاز دعوت به آن حضرت گرویدند. آنگاه به سوی سرزمین و قبیله‌اش بازگشت و بعدها به مدینه مهاجرت نمود. وی در علم، زهد، جهاد، راست‌گویی و اخلاص سرآمد بود.
ذهبی گفته است مناقب وی مشهور می‌باشد و از آن جمله سخن پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله است که در مورد وی فرمود: ما اظلت الخضراء و لا اقلت الغبراء اصدق لهجة من ابی ذر یعنی آسمان کبود بر هیچ‌کس سایه نیفکند و زمین کسی را بر پشت خود حمل نکرد که راستگوتر از ابو ذر باشد. وی پس از رحلت رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله به شام مهاجرت نمود و تا هنگام وفات عمر در همان‌جا به سر می‌برد. در زمان عثمان

ساکن دمشق گردید و فقرا را به احقاق حق خودشان تحریض نمود، به همین سبب معاویه از وی به عثمان شکایت برد و بدین دلیل در اواخر عمر به ربذه

إحياء الميت، السيوطى ،متن،ص:71

شنیدم که می‌فرمود: مثل اهل بیت من در میان شما مانند کشتی نوح در بین قوم نوح است هرکسی که سوار آن گردید نجات یافت و هرکسی که از آن بازماند غرق شد و (مثل ایشان) مانند باب حطة «3» در میان بنی اسرائیل می‌باشد «1».

- حدیث بیست و هفتم

: طبرانی در المعجم الاوسط از ابو سعید خدری نقل کرده است که گفت از پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: همانا مثل اهل بیت من مانند کشتی نوح است که هرکس بدان درآمد نجات یافت. و هرکس که از آن بازماند غرق شد و همانا مثل اهل بیت من در میان شما همانند باب حطة میان بنی اسرائیل است که هرکس وارد آن گردید آمرزیده شد «2».

____

تبعید شد و در سال 31 ه ق. در آنجا درگذشت و به نقل مداینی ابن مسعود بر او نماز گزارد. زندگینامه ابو ذر در الاعلام ج 2 ص 136 مندرج است.

(3)- حطة به معنی ریزش و پایین ریختن است و باب حطة دری بوده است که خداوند متعال بنی اسرائیل را امر فرمود سجده‌کنان بدان داخل شوند تا گناهانشان ریخته و آمرزیده شوند در این مورد می‌توان به سوره بقره آیه 58 و سوره اعراف آیه 161 مراجعه نمود. بنا به نظر علامه سید عبد الحسین شرف الدین وجه تشبیه اهل البیت علیهم السّلام به باب حطة آن است که خداوند متعال آن در را یکی از مظاهر تواضع در مقابل جلال و سر فرود آوردن در برار حکمش قرار داد و همین امر موجب مغفرت و آمرزش بنی اسرائیل می‌گردید. در میان امت اسلام نیز انقیاد و تسلیم در برابر اهل البیت: و متابعت از ائمه عترت: را مظهری از مظاهر تواضع و گردن نهادن در برابر حکم خداوند قرار داد و آن را سبب مغفرت مسلمانان دانست. جهت اطلاع بیشتر می‌توان به کتاب المراجعات مراجعه شماره 8 رجوع نمود (مترجم).

(1)- حدیث مذکور را طبرانی در المعجم الکبیر ج 1 ص 125 به دو روایت نقل نموده است که هر دو در اصل یکسان بوده و روایت دوم زیادتی در لفظ دارد وی به سند خویش از ابو ذر نقل نموده است، که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: (مثل اهل بیتی مثل سفینة نوح من رکبها نجا و من تخلف عنها غرق و من قاتلنا فی آخر الزمان فکانما قاتل مع الدجال) یعنی: مثل اهل بیت من همانند کشتی نوح است که هرکس بدان در آمد نجات یافت و هرکس از آن بازماند غرق شد و هرکس که در آخر الزمان با ما بستیزد گویی در کنار دجال به مبارزه پرداخته است. هیثمی نیز؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

هندی ج 6 ص 216 نیز نقل شده است. دیگر مصادر حدیث مزبور شامل حلیة الاولیاء ج 4 ص 306، مرقاة المصابیح ج 5 ص 610، تاریخ بغداد ج

12 ص 19، کنوز الحقائق ص 132، ذخائر العقبی ص 20، الصواعق المحرقة ص 75، ینابیع المودة ص 28، نزل الابرار ص 33، میزان الاعتدال ج 1 ص 224، الخصائص الکبری ج 2 ص 266 می‌باشند.

(2)- حدیث مذکور در مجمع الزوائد ج 9 ص 168 به نقل از المعجم الاوسط و نیز المعجم الصغیر که هر دو از

إحياء الميت، السيوطى ،متن،ص:72

- حدیث بیست و هشتم

: ابن نجار «1» در تاریخ خویش از امام مجتبی علیه السّلام نقل کرده است که فرمود: هر چیزی بنیانی دارد و بنیان اسلام دوست داشتن یاران پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله و مهر ورزیدن به خاندان آن حضرت است «2».

- حديث بیست و نهم

: طبرانی از عمر بن الخطاب «3» نقل نموده است که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: نوادگان دختری هر فرد به پدرانشان نسبت داده می‌شوند مگر فرزندان فاطمة علیها السّلام که به من منسوب بوده و من پدرشان هستم «4».

- حدیث سی‌ام

: طبرانی از حضرت فاطمة الزهراء علیها السّلام نقل نموده است که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: همه دخترزادگان به خاندان پدریشان منسوبند مگر فرزندان فاطمة علیها السّلام که من ولی و پدر آنها می‌باشم «5».

- حدیث سی و یکم

: حاکم از جابر بن عبد اللّه انصاری نقل نموده است که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: نوادگان دختری به اقوام پدرشان منتسبند مگر دو پسر فاطمه علیها السّلام که من ولی و پدرشان هستم «6».

نگاشته‌های طبرانی هستند آورده شده است. این حدیث در فیض القدیر ج 4 ص 356، معجم صغیر ص 170، جواهر العقدین سمهودی ج 2 ص 72 (نسخه مخطوط کتابخانه ظاهریه) نیز نقل شده است.

(1)- ابو عبد الله محمد بن محمود بن حسن بن هبة الله بن محاسن بغدادی در سال 578 ه ق. متولد گردید و در سال 643 ه ق. وفات یافت. زندگینامه او در تذکرة الحفاظ ج 4 ص 1428 مندرج است.

(2)- حدیث مذکور در الدر المنثور ج 6 ص 7 و کنز العمال ج 6 ص 218 مندرج است.

(3)- ابو حفص عمر بن الخطاب بن نفیل عدوی در سال 40 قبل از هجرت در مکه به دنیا آمد و در سال پنجم پیش از هجرت اسلام آورد وی در سال 11 ه ق. به عنوان خلیفه دوم بر مسند نشست و در زمان حکومت 13 ساله او بسیاری از بلاد آن روزگار به تصرف مسلمین در آمد. وی سرانجام در سال 23 ه ق. توسط ابو لؤلؤ فیروز فارسی ترور گردید و پس از سه روز درگذشت. زندگینامه عمر در صفة الصفوة ج 1 ص 101 و تاریخ طبری ج 2 ص 187 مندرج است.

(4)- حدیث مذکور در المعجم الکبیر ج 1 ص 124، کنز العمال ج 6 ص 220 الصواعق المحرقة ص 185 و ذخائر العقبی ص 121 درج شده است.

(5)- حدیث مذکور در المعجم الکبیر ج 1 ص 124، کنز العمال ج 6 ص 220 تاریخ بغداد ج 11 ص 285، مقتل الخوارزمی ج 2 ص 88 و مجمع الزوائد ج 9 ص 172 نقل شده است.

(6)- حدیث مذکور را حاکم نیشابوری در مستدرک الصحیحین ج 3 ص 164 نقل نموده و آن را صحیح الاسناد دانسته است. همچنین متقی هندی نیز آن را در کنز العمال ج 6 ص 216 و منتخب کنز العمال ج 5 ص 216 نقل نموده است.

- حدیث سی و دوم

: طبرانی در المعجم الاوسط از جابر بن عبد الله نقل نموده است که از عمر بن الخطاب شنید که در هنگام ازدواج با دختر علی علیه السّلام به مردم می‌گفت: آیا به من شادباش نمی‌گویید چرا که از پیامبر خدا صلّی اللّٰه علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: روز رستاخیز هر اصل و گوهری جز گوهر و نسب (افراد خاندان) من گسسته می‌گردد «1».

- حدیث سی و سوم

: طبرانی از ابن عباس نقل نموده است که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود:
هر اصل و گوهری در روز بازپسین گسسته می‌شود مگر گوهر و نسب (منتسب به) من «2».

- حدیث سی و چهارم

: ابن عساکر «3» در تاریخ خویش از ابن عمر نقل کرده است که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: هر خویشاوندی و پیوندی در روز بازپسین گسسته خواهد شد مگر پیوند و خویشاوندی با من «4».

---

(1)- حدیث مذکور در المعجم الکبیر ج 1 ص 124 و حلیة الاولیاء ج 7 ص 314 مندرج است.

(2)- حدیث مذکور را طبرانی در المعجم الکبیر ج 1 ص 129 مناوی در فیض القدیر ج 5 ص 35، خطیب در تاریخ بغداد ج 1 ص 271، رافعی در التدوین ج 2 ص 98 و هیثمی در مجمع الزوائد ج 9 ص 173 نقل نموده‌اند و هیثمی پس از نقل آن گفته است راویان آن موثق می‌باشند. طبری نیز در ذخائر العقبی ص 6 حدیثی بدین مضمون نقل نموده است: پسر صفیة دختر عبد المطلب درگذشت و صفیة بر او می‌گریست پس پیامبر صلّی اللّه علیه و آله بدو فرمود: تبکین یا عمة، من توفی له ولد فی الاسلام کان له بیت فی الجنة یسکنه، یعنی ای عمه آیا می‌گریی حال آنکه هرکس که یک فرزند مسلمانش را از دست بدهد دارای خانه‌ای در بهشت می‌گردد که در آن سکونت گزیند.
هنگامی که صفیة از حضور پیامبر صلّی اللّه علیه و آله مرخص گردید مردی به او گفت خویشاوندی محمّد صلّی اللّه علیه و آله تو را از جانب خدا سود نمی‌رساند. صفیة پس از شنیدن این سخن به گریه افتاد هنگامی که صدای گریه او به گوش رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله رسید آن حضرت ناراحت شد چرا که پیامبر صلّی اللّه علیه و آله او را دوست می‌داشت و گرامی می‌شمرد. پس بدو گفت: یا عمة تبکین و قد قلت لک ما قلت؟ یعنی: ای عمه آیا با وجود آنچه که به تو گفتم باز هم می‌گریی؟ صفیة عرض کرد گریه من بر فرزندم نیست و ما وقع را به اطلاع رساند. در این هنگام رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله خشمناک گردیده به بلال فرمود: یا بلال هجّر بالصلاة یعنی ای بلال نوای نماز را در ده. پس از انجام شدن این کار توسط بلال و اجتماع مردم پیامبر صلّی اللّه علیه و آله خطاب به آنان فرمود: ما بال اقوام یزعمون ان قرابتی لا تنفع، ان کل سبب و نسب ینقطع یوم القیمة الا نسبی و ان رحمی موصولة فی الدنیا و الآخرة یعنی: چه می‌شود گروهی را که می‌پندارند خویشاوندی با من سودمند نمی‌باشد در روز بازپسین هر پیوند و خویشاوندی به جز پیوند با من گسسته می‌شود و پیوند با من در دنیا و آخرت برقرار است.

(3)- ابو القاسم علی بن حسن بن هبة الله بن عبد الله بن حسین دمشقی

مشهور به محدث شام مورخ، حافظ و رحاله نامور دارای چندین تألیف من‌جمله کتاب بسیار حجیم و ارزشمند تاریخ مدینة دمشق می‌باشد. وی در سال 499 ه ق. متولد و در سال 571 ه ق. درگذشت. زندگینامه وی در الاعلام ج 5 ص 82 مندرج است.

(4)- حدیث مذکور در معجم کبیر طبرانی ج 1 ص 124، کنز العمال متقی هندی ج 6 ص 102 فتح البیان ج 7 ص 34، فیض القدیر ج 5 ص 35، مستدرک الصحیحین ج 3 ص 158 و الفصول المهمّة ص 28 نقل شده است.

إحياء الميت، السيوطی ،متن،ص:74

- حدیث سی و پنجم

: حاکم از ابن عباس نقل کرده است که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود:
ستارگان (موجب) امان زمینیان از غرق شدن هستند و خانواده من موجب امان امتم از تفرقه می‌باشند پس هرگاه گروهی با آنان مخالفت نمایند آن گروه در شمار پیروان اهریمن در می‌آیند «1».

- حدیث سی و ششم

: حاکم از انس «2» نقل کرده است که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود:
پروردگارم به من وعده فرمود هرآن‌کس از خاندانم را که به وحدانیت خدا و پیامبری من اقرار داشته باشد عذاب ننماید «3».

- حدیث سی و هفتم

: ابن جریر طبری «4» در تفسیر آیه (و همانا بزودی پروردگارت به تو «چندان» عطا نماید که خشنود گردی) «5» از ابن عباس نقل نموده است که گفت: از جمله موارد موجب خشنودی پیامبر صلّی اللّه علیه و آله آن است که هیچ‌یک از اهل بیتش دوزخی نگردد «6».

---

(1)- حدیث مذکور را حاکم در مستدرک الصحیحین ج 3 ص 149 نقل نموده سپس افزوده است که با وجود صحیح بودن اسناد حدیث، بخاری و مسلم آن را در کتابهای خویش نقل ننموده‌اند. برخی از دیگر مصادر این حدیث شامل کنز العمال ج 6 ص 217، منتخب کنز العمال ج 5 ص 94 جمع الجوامع ج 1 ص 451 و الصواعق المحرقة ص 140 می‌باشند.

(2)- ابو حمزة انس بن مالک بن نصر انصاری 10 سال قبل از هجرت متولد گردید، مدتی خدمتکار پیامبر صلّی اللّه علیه و آله بود و پس از رحلت آن حضرت به دمشق و سپس بصره مهاجرت نمود. در سال 93 ه ق. درگذشت.

زندگینامه وی در اسد الغابة ج 1 ص 127 و تذکرة الحفاظ ج 1 ص 45-44 مندرج است.

(3)- حدیث مذکور را حاکم در مستدرک الصحیحین ج 3 ص 150 به اسناد صحیح نقل نموده است. متقی هندی نیز آن را در کنز العمال ج 6 ص 216 و منتخب کنز العمال ج 9 ص 92 آورده است. این حدیث در ص 140 الصواعق المحرقة نیز نقل گردیده است.

(4)- ابو جعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر طبری در سال 214 ه ق. در آمل متولد گردید و در شامگاه روز 28 شوال سال 310 ه ق. درگذشت. وی یکی از بزرگترین دانشمندان مسلمان و صاحب تألیفات ارزنده‌ای از قبیل جامع البیان فی تفسیر القرآن و تاریخ الامم و الملوک می‌باشد. زندگینامه وی در تذکرة الحفاظ ج 2 ص 716- 710 و الانساب ج 9 ص 41 مندرج است.

(5)- آیه 5 سوره ضحی

(6)- حدیث مذکور در فضائل الخمسة ج 2 ص 65 به نقل از فیض القدیر ج 4 ص 77 آمده است. ابن حجر نیز آن را در الصواعق المحرقة ص 95 نقل کرده است. دیگر مصادر این حدیث شامل کنز العمال ج 6 ص 215، الصواعق المحرقة ص 111، تفسیر طبری ج 30 ص 232، ذخائر العقبی ص 19، الدر المنثور ج 6 ص 361 می‌باشند.

- حديث سی و هشتم

: بزار، ابو يعلى «1»، عقيلى «2»، طبرانى و ابن شاهين «3» از ابن مسعود «4» نقل كرده‌اند كه پيامبر خدا صلّى اللّه عليه و آله فرمود: همانا فاطمة عليها السّلام دامان خويش را پاكيزه نگاه داشت پس خداوند هم دودمان وى را بر آتش (دوزخ) حرام گردانيد «5».

- حدیث سی و نهم

: طبرانی از ابن عباس نقل نموده است که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله به فاطمة الزهراء علیها السّلام فرمود: خداوند تو و فرزندانت را عذاب نمی‌نماید «6».

- حدیث چهلم

ترمذی به سند حسن از جابر بن عبد الله انصاری نقل نموده است که :

---

(1)- ابو یعلی احمد بن علی بن مثنی بن یحیی بن هلال تمیمی صاحب کتاب المسند الکبیر در شوال سال 210 ه ق. متولد شد و در سال 308 ه ق. درگذشت. زندگینامه وی در تذکرة الحفاظ ج 2 ص 709- 707 مندرج است.
(2)- ابو جعفر محمد بن عمرو بن موسی بن حماد عقیلی حجازی، صاحب کتاب الضعفاء محدثی ثقه و پرکار بود که در مکه و مدینه می‌زیست و در سال 322 ه ق. درگذشت. زندگینامه او در الوافی بالوفیات ج 4 ص 291، تذکرة الحفاظ ج 1 ص 833 مندرج است.
(3)- ابو حفص عمر بن احمد بن عثمان بن احمد بغدادی واعظ معروف به ابن شاهین صاحب حدود 330 تألیف می‌باشد، که یکی از آنها تفسیر کبیر در 1500 جزء است. وی در سال 297 ه ق. متولد گردید و در ذی الحجة سال 385 ه ق. درگذشت. زندگینامه او در المنتظم ج 7 ص 182، غایة النهایة ج 1 ص 588، لسان المیزان ج 4 ص 283 تذکرة الحفاظ ج 1 ص 990- 978 مندرج است.
(4)- ابو عبد الرحمن عبد الله بن مسعود بن غافل بن حبیب هذلی از قدمای اصحاب و به روایت ابو نعیم ششمین کسی بود که اسلام آورد و اولین فردی بود که قرآن را به جهر قرائت می‌نمود. وی خدمتگزار، امین و صاحب سر پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله بود. مادر وی أمّ عبد بنت عبد ود نام داشت و از این رو به ابن مسعود لقب أم ابن عبد را نیز داده‌اند. وی ذو الهجرتین بوده، یک‌بار به حبشه و یک‌بار به مدینة هجرت نمود. وی پس از وفات آن حضرت عهده‌دار سرپرستی بیت المال کوفه گردید و در زمان حکومت عثمان مورد غضب قرار گرفت و در سال 32 ه ق. در مدینه درگذشت و شبانه در بقیع به خاک سپرده شد. زندگینامه او در الاعلام ج 4 ص 280 مندرج است.
(5)- حدیث مذکور را ابن حجر عسقلانی در زوائد مسند بزار ص 280 به نقل از عبد الله بن مسعود آورده است. حاکم نیز آن را در المستدرک ج 3 ص 152 با اسناد صحیح نقل نموده است. دیگر مصادر حدیث شامل کنز العمال ج 6 ص 219 الصواعق المحرقة ص 232، نزل الابرار ص 78، میزان الاعتدال ج 3 ص 216، مجمع الزوائد ج 9 ص 202، تاریخ بغداد ج 3 ص 54 و ذخائر العقبی ص 48 می‌باشند طبرانی حدیث را در المعجم الکبیر ج 1 ص 24 به نقل از ابن مسعود نقل نموده است که پیامبر خدا

صلّی اللّه علیه و آله فرمود: «ان فاطمه علیها السّلام احصنت فرجها و ان الله ادخلها باحصان فرجها و ذریتها الجنة» فاطمة علیها السّلام دامان خویش را پاکیزه نگاه داشت پس خداوند عز و جل (به پاداش) این پاکدامنی وی و فرزندانش را وارد بهشت می‌نماید. متقی هندی نیز حدیث مزبور را در کنز العمال ج 12 ص 11 نقل کرده است.

(6)- حدیث مذکور را متقی هندی در کنز العمال ج 3 ص 165 و منتخب کنز العمال ج 5 ص 97 نقل نموده است. این حدیث در نزل الابرار ص 83 و الدرة الیتیمة فی بعض فضائل السیدة العظیمة ص 28 و الصواعق المحرقة ص 223 نیز آمده است.

إحیاء المیت، السیوطی ،متن،ص:76

پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: ای مردم همانا در میان شما چیزی را به جای می‌گذارم که تا هنگامی که آن را گرفته باشید هرگز گمراه نخواهید شد، کتاب خدا و نزدیکان از خانواده‌ام را «1».

- حدیث چهل و یکم

: خطیب بغدادی «2» در تاریخ خویش از امام علی علیه السّلام نقل کرد که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: شفاعت من شامل افرادی از امتم می‌گردد که به خانواده‌ام مهر ورزند «3».

- حدیث چهل و دوم

: طبرانی از ابن عمر نقل نموده است که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود:
نخستین افرادی از امت که من شفاعتشان را می‌نمایم اهل بیتم هستند «4».

- حدیث چهل و سوم

: طبرانی از مطلب بن حنطب «5» از پدرش نقل کرد که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله در جحفه «6» برای ما سخنرانی می‌کرد و در سخنرانی خود فرمود: آیا من از خودتان به شما سزاوارتر نیستم؟ مستمعین گفتند: آری ای پیامبر خدا پس آن حضرت فرمود: همانا من از شما درباره دو چیز بازخواست می‌کنم کتاب خدا و خانواده‌ام «7».

---

(1)- حدیث مذکور را ترمذی در الجامع الصحیح ج 2 ص 308، متقی هندی در کنز العمال ج 1 ص 48 و طبرانی در المعجم الکبیر ج 1 ص 129 نقل نموده‌اند.

(2)- ابو بکر احمد بن علی بن ثابت بن احمد بن مهدی بغدادی معروف به خطیب در سال 392 ه ق. در غزیة (ناحیه‌ای بین کوفه و بغداد) متولد گردید. وی در بغداد رشد یافت و در طلب دانش به مکه، بصره، دینور، کوفه و برخی نقاط دیگر مسافرتها نمود. وی عالمی ادیب، شاعر و حریص بر مطالعه و تألیف بود. برخی از تألیفات وی شامل: تاریخ بغداد، الجامع، الکفایة، المتفق و المفترق می‌باشند وی در سال 463 ه ق. درگذشت زندگینامه او در تذکرة الحفاظ ج 1 ص 136- 135 مندرج است.

(3)- حدیث مذکور را خطیب در تاریخ بغداد ج 2 ص 146 بدین گونه نقل نموده است: علی ابن ابی طالب علیه السّلام از پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله نقل کرده است که فرمود: شفاعتی لامتی من احب اهل بیتی و هم شیعتی، یعنی: شفاعت من شامل افرادی از امتم میگردد که به خانواده‌ام مهر ورزند و آنان شیعیان من هستند. متقی هندی نیز این حدیث را در کنز العمال ج 6 ص 217 نقل نموده است. برخی از دیگر مصادر حدیث مذکور شامل الجامع الصغیر ج 2 ص 49 و ینابیع المودة ص 185 هستند.

(4)- حدیث مذکور را هیثمی در مجمع الزوائد ج 1 ص 280 متقی در کنز العمال ج 6 ص 215، طبری در ذخائر العقبی ص 20، مناوی در فیض القدیر ج 2 ص 90 و ابن حجر مکی در الصواعق المحرقة ص 111 نقل نموده‌اند.

(5)- 1794 ز مطلب بن عبد الله بن حنطب بن حارث بن عبید بن عمر بن مخزوم مخزومی قرشی در جنگ بدر اسیر گردید و بعدها اسلام آورد. زندگینامه او در الاصابة ج 6 ص 104 تهذیب التهذیب ج 10 ص 178 و میزان الاعتدال ج 4 ص 129 مندرج است.

(6)- جحفه نام محلی در بین مکه و مدینه است.

(7)- حدیث مذکور را هیثمی در مجمع الزوائد ج 5 ص 195 و ابن اثیر در

اسد الغابة ج 3 ص 147 نقل کرده‌اند.
إحیاء المیت، السیوطی ،متن،ص:77

- حدیث چهل و چهارم

: طبرانی از ابن عباس نقل کرده است که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود:
(در روز بازپسین) بنده گام از گام برنمی‌دارد مگر آنکه چهار پرسش را پاسخ گوید:
زندگیش را در چه راهی گذرانده، پیکرش را در چه موردی از بین برده، داراییش را از چه راهی به دست آورده و در چه راهی خرج کرده است و از مهر ما اهل البیت علیهم السّلام «1» (هم از او پرسش می‌شود).

- حدیث چهل و پنجم

: دیلمی «2» از علی علیه السّلام نقل کرده است که گفت از پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: نخستین کسانی که در کنار حوض بر من وارد می‌گردند اهل بیتم هستند «3».

- حدیث چهل و ششم

: دیلمی از علی علیه السّلام نقل نمود که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود:

ابو نعیم در حلیة الاولیاء ج 1 ص 64 از امام علی علیه السّلام نقل نموده است که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله در جحفه به سخنرانی ایستاد و فرمود: ایها الناس الست اولی بکم من انفسکم قالوا بلی قال: فانی کائن لکم علی الحوض فرطا و سائلکم عن اثنین عن القرآن و عن عترتی یعنی: ای مردم آیا من از خودتان بر شما سزاوارتر نیستم؟ عرض نمودند: آری فرمود: بدانید گویا (همکنون می‌بینیم) که همچون پیشاهنگی قبل از شما در کنار حوض قرار گرفته‌ام از شما در مورد دو چیز بازخواست می‌کنم درباره قرآن و درباره خانواده‌ام.

(1)- حدیث مذکور را متقی هندی در کنز العمال ج 7 ص 212 و هیثمی در مجمع الزوائد ج 10 ص 346 نقل نموده‌اند و هیثمی پس از نقل آن افزوده است: در این هنگام از پیامبر صلّی اللّه علیه و آله سؤال شد که نشانه دوستی شما چیست؟ و آن حضرت با دست بر روی شانه امام علی علیه السّلام کوبید (یعنی دوستی با علی علیه السّلام علامت دوستی با من است). حدیث مذکور در کفایة الطالب ص 183 نیز نقل گردیده است.

(2)- ابو شجاع شیرویه بن شهردار بن فنا خسرو دیلمی، حافظ و محدث بزرگ و مؤلف کتابهای تاریخ همدان و الفردوس می‌باشد. افرادی همچون محمد بن فضل اسفراینی و شهردار بن شیرویه دیلمی از وی روایت حدیث می‌کرده‌اند. وی در سال 509 ه ق. درگذشت. زندگینامه دیلمی در تذکرة الحفاظ ج 4 ص 1259 مندرج است.

(3)- حدیث مذکور را متقی هندی در کنز العمال ج 6 ص 17 بدین گونه نقل نموده است: اوّل من یرد علی الحوض اهل بیتی و من أحبنی من امتی، یعنی: نخستین افراد که در کنار حوض بر من وارد می‌گردند خانواده‌ام و برخی از امت می‌باشند که دوستدار من هستند. محب الدین طبری نیز حدیث مذکور را در ص 18 ذخائر العقبی بدین گونه نقل کرده است: یرد الحوض اهل بیتی و من احبّهم من امتی کهاتین یعنی (در روز بازپسین) خاندان من و دوستداران آنها از میان امتم همانند این دو انگشت من (که در کنار یکدیگر قرار دارند) به اطراف حوض وارد می‌گردند. دیگر مصادر حدیث مذکور شامل کنوز الحقائق ص 188 و مجمع الزوائد ج 9 ص 131، الفتاوی الحدیثیة ص 18 و ینابیع المودة ص 268 می‌باشند.

فرزندانتان را با سه خصلت عشق به پیامبرتان صلّی اللّه علیه و آله، مهرورزی به خاندان وی و خواندن قرآن بپرورانید چرا که حاملان قرآن در روزی که جز سایه إلهی سایه دیگری وجود ندارد در سایه (لطف) خداوند خواهند بود «1».

- حدیث چهل و هفتم

: دیلمی از علی علیه السّلام نقل نمود که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود:
پایدارترین شما بر روی صراط مهرورزترین شما به خانواده و یاران من است «2».

- حدیث چهل و هشتم

دیلمی از علی علیه السّلام نقل نمود که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: چهار شخصند که من در روز بازپسین شفاعتم را بدانها خواهم رساند: کسی که ذریه مرا گرامی بدارد، آن‌کس که خواسته‌های آنها را برآورده نماید، کسی که در مواقعی که ایشان بدو نیازمندند به کمکشان بشتابد و آنکه ایشان را به دل و زبان دوست بدارد «3».

- حدیث چهل و نهم

: دیلمی از ابو سعید خدری نقل کرده است که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: خشم خداوند بر کسی که مرا با آزردن خانواده‌ام بیازارد فزونی می‌یابد «4».

- حدیث پنجاهم

: دیلمی از ابو هریره نقل کرده است که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: خداوند فرد پرخور، شخص غافل از فرمانبرداری پروردگار، ترک‌کننده سنت پیامبر، کسی که پیمانهای خویش را بی‌اهمیت می‌شمارد و همچنین فردی که با خانواده پیامبر صلّی اللّه علیه و آله دشمنی بورزد و نیز شخصی که همسایگانش را بیازارد دشمن می‌دارد «5».

- حدیث پنجاه و یکم

: دیلمی از ابو سعید خدری نقل نموده است که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: اهل بیت من و انصار، اصحاب سر و یاران خاص من هستند پس به نیکان ایشان

---

(1)- حدیث مذکور را متقی هندی در کنز العمال ج 8 ص 278 مناوی در فیض القدیر ج 1 ص 225، سیوطی در الجامع الصغیر ج 1 ص 42، نبهانی در الفتح الکبیر ج 1 ص 59 و ابن حجر مکی در الصواعق المحرقة ص 103 نقل کرده‌اند.

(2)- حدیث مذکور را متقی هندی در کنز العمال ج 6 ص 216 ابن حجر در الصواعق المحرقة ص 185 و مناوی در کنوز الحقائق ص 5 نقل کرده‌اند.

(3)- حدیث مذکور را متقی هندی در کنز العمال ج 6 ص 217 و ج 8 ص 151 نقل کرده است. طبری نیز آن را در ذخائر العقبی ص 18 به نقل از امام رضا علیه السّلام آورده است. دیگر مصادر این حدیث شامل الصواعق المحرقة ص 237 و مقتل الخوارزمی ج 2 ص 25 می‌باشند.

(4)- حدیث مذکور را ابن حجر در الصواعق المحرقة ص 184 و مناوی در فیض القدیر ج 1 ص 515 نقل نموده است.

(5)- حدیث مذکور را متقی هندی در کنز العمال ج 9 ص 191 نقل نموده است.

إحیاء المیت، السیوطی ،متن،ص:79

روی آورده و از بدان «5» آنها درگذرید «1».

- حدیث پنجاه و دوم

: ابو نعیم «2» در حلیة الاولیاء از عثمان بن عفان «3» نقل نموده است که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: هرآن‌کس که در دنیا در حق فردی از فرزندان عبد المطلب نیکی نماید و آن فرد توان پاداش دادن به وی را نداشته باشد من در روز قیامت او را پاداش خواهم داد «4».

: خطیب بغدادی از عثمان بن عفان نقل کرده است که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: هرکس به یکی از بازماندگان عبد المطلب نیکی نماید و او در دنیا پاداش نیکی وی را ندهد، پاداش آن فرد (در روز بازپسین) هنگامی که مرا ملاقات نماید بر عهده

---

(5)- خواننده محترم توجه دارد که جمله (از بدان ایشان درگذرید) به انصار بازگشته و به اهل البیت: مربوط نمی‌گردد زیرا که وجود فرد بدکار در میان اهل البیت: مستحیل می‌باشد و یا آنکه معنای اهل البیت توسعه یافته به همه افراد دور و نزدیکی که به پیامبر صلّی اللّه علیه و آله وابستگی نسبی دارند بازمی‌گردد البته احتمال اخیر ضعیف می‌باشد چرا که در عرف شیعه و بسیاری از اهل سنت، اهل البیت منحصر به فاطمة الزهراء علیها السّلام و ائمه معصومین علیهم السّلام می‌گردند (مترجم).
(1)- حدیث مذکور را متقی هندی در کنز العمال ج 6 ص 165 ابن حجر در الصواعق المحرقة ص 225 و ابن صباغ مالکی در الفصول المهمة ص 27 نقل کرده‌اند.
(2)- ابو نعیم احمد بن عبد الله بن احمد بن إسحاق بن موسی بن مهران اصفهانی در سال 336 ه ق. متولد شد و در سال 430 ه ق. درگذشت. زندگینامه وی در تذکرة الحفاظ ج 3 ص 1098- 1092 البدایة و النهایة ج 12 ص 45، طبقات سبکی ج 4 ص 18، میزان الاعتدال ج 1 ص 111، وفیات الاعیان ج 3 ص 52 و لسان المیزان ج 11 ص 251 مندرج است.
(3)- عثمان بن عفان بن ابی العاص بن امیة بن عبد شمس قرشی به سال 37 قبل از هجرت در شهر مکه به دنیا آمد و اندکی پس از بعثت اسلام آورد. وی در سال 23 ه ق. و پس از ترور خلیفه دوم از طریق شورایی که اعضای آن از سوی عمر گزینش شده بودند به حکومت رسید. حکومت وی وارث ثروتهای سرشار حاصل از فتوحات زمان دومین خلیفه بود و در دوران وی نواحی بسیار زیادی به تصرف مسلمانان در آمد. از مهمترین خدمات وی جمع‌آوری قرآن کریم بود. در دوران حکومت عثمان بنی أمیة بر امپراطوری اسلامی سلطه یافته و نظام حکومتی به فساد گرایید، همین امر موجب نارضایتی عمومی گردید و باعث آن شد که وی پس از 12 سال زمامداری در ذی الحجة سال 35 ه ق. مقتول گردد. زندگینامه عثمان در تذکرة الحفاظ ج 1 ص 10- 8 و الاصابة ج 4 ص 271- 269 مندرج است.
(4)- حدیث مذکور را متقی هندی در کنز العمال ج 6 ص 203 نقل نموده است. محب الدین طبری حدیث مزبور را در ص 19 کتاب ذخائر العقبی

چنین نقل نموده است: من صنع الی احد من اهل بیتی معروفا فعجز عن مکافاته فی الدنیا فانا المکافی له یوم القیامة. یعنی: هرکس به فردی از اهل بیت من نیکی نماید و آن فرد توان پاداش دادن به وی را نداشته باشد در روز بازپسین پاداش آن فرد بر عهده من خواهد بود. دیگر مصادر این حدیث شامل الصواعق المحرقة ص 111 و فیض القدیر ج 6 ص 172 می‌باشد.

إحياء الميت، السيوطی ،متن،ص:80

من خواهد بود «1».

- حدیث پنجاه و چهارم

: ابن عساکر از امام علی علیه السّلام نقل کرده است که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: هرکس که به یکی از اهل بیت من نیکویی نماید در روز بازپسین من او را پاداش خواهم داد «2».

- حدیث پنجاه و پنجم

: بارودی «3» از ابو سعید خدری نقل کرده است که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: همانا در میان شما چیزی به‌جا میگذارم که تا هنگامی که بدان چنگ زده باشید هیچ‌گاه گمراه نخواهید شد، کتاب خدا، ریسمانی که یک سوی آن به دست شما و سوی دیگر آن به دست (قدرت) خداوند است و نزدیکان از خاندانم و آن دو تا هنگامی که در کنار حوض بر من وارد گردند هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد «4».

- حدیث پنجاه و ششم

: احمد و طبرانی از زید بن ثابت نقل کرده‌اند که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: من در میان شما دو جانشین باقی میگذارم کتاب خدا (یعنی) ریسمان کشیده شده بین آسمان و زمین و نزدیکان از خانواده‌ام را و این دو تا هنگامی که در کنار حوض بر من وارد گردند هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد «5».

---

(1)- حدیث مذکور را متقی هندی در کنز العمال ج 6 ص 216 و 204 و 203 ابن حجر در الصواعق المحرقة ص 185 و قندوزی در ینابیع المودة ص 370 نقل کرده‌اند.
(2)- حدیث مذکور را متقی هندی در کنز العمال ج 6 ص 216 مناوی در فیض القدیر ج 6 ص 172، طبری در ذخائر العقبی ص 19 و ابن حجر در الصواعق المحرقة ص 185 نقل کرده‌اند.
(3)- ابو محمد عبد الله بن محمد بن عقیل بارودی ساکن اصفهان بوده است و از ابو بکر احمد بن سلمان نجار بغدادی نقل حدیث می‌کرده است. زندگینامه وی در الانساب نگاشته سمعانی ج 2 ص 65 مندرج است.
(4)- حدیث مذکور را متقی هندی در کنز العمال ج 1 ص 165 به سند مرفوع از ابو سعید خدری نقل نموده است. طبرانی نیز آن را با اندکی اختلاف در لفظ در المعجم الکبیر ج 1 ص 129 بدین گونه نقل کرده است: قال النبی صلّی اللّه علیه و آله یا ایها الناس و انی تارک فیکم ما ان اخذتم به لن تضلوا بعدی؛ امرین احدهما اکبر من الاخر کتاب الله حبل ممدود ما بین السماء و الارض و عترتی اهل بیتی و انهما لن یتفرقا حتی یردا علیّ الحوض. یعنی: ای مردم در میان شما چیزی به‌جا می‌گذارم که تا هنگامی که آن را گرفته باشید هرگز پس از من گمراه نخواهید شد و آنها دو چیزند که یکی بزرگتر از دیگری است کتاب خدا که ریسمان کشیده شده از آسمان به زمین است و نزدیکان از خانواده‌ام و آن دو هیچ‌گاه تا هنگامی که در کنار حوض بر من وارد شوند از یکدیگر جدا نخواهند شد. دیگر مصادر این حدیث شامل حلیة الاولیاء ج 1 ص 355 تاریخ بغداد ج 8 ص 442، مجمع الزوائد ج 10 ص 363 و کنز العمال ج 7 ص 225 می‌باشند.
(5)- حدیث مذکور را احمد در المسند ج 5 ص 181 و هیثمی در مجمع الزوائد ج 9 ص 163 نقل نموده‌اند و

- حدیث پنجاه و هفتم

: ترمذی، حاکم و بیهقی در شعب الایمان به سند مرفوع از عائشة «1» نقل نموده‌اند که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: شش کسند که من آنها را لعنت نموده‌ام و خداوند هم آنها را لعنت کرده است و دعای هر پیامبری مستجاب است: کسی که بر کتاب خدا (چیزی) بیافزاید، آن‌کس که قدر إلهی را تکذیب کند، شخصی که به زور بر دیگران چیرگی یافته افراد لایق ذلت را عزیز و افراد شایسته عزت را ذلیل نماید، فردی که حرم إلهی را پاس ندارد، آن‌کس که نسبت به عترت من کارهایی را که خداوند ناروا داشته است روا دارد و هرکس که سنت مرا رها نماید «2».

- حدیث پنجاه و هشتم

: دارقطنی «3» در کتاب الافراد و خطیب در کتاب المتفق از علی نقل علیه السّلام کرده‌اند که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: شش نفرند که خداوند آنها را لعنت نموده است و من هم آنها را لعنت کرده‌ام و دعای هر پیامبری مستجاب است: افزاینده (چیزی) به کتاب خدا، تکذیب‌کننده قدر إلهی، رهاکننده سنت من و روی‌آورنده به بدعت، روا دارنده آنچه را که خداوند حرام نموده است به عترت من، زورگویی که بر امت من سلطه یافته افراد سزاوار ذلت مرا عزیز و افراد شایسته عزت را ذلیل می‌نماید، و آن‌کس

هیثمی پس از نقل آن گفته است: احمد این حدیث را به اسناد جیّد (خوب) روایت نموده است. متقی هندی نیز آن را در کنز العمال ج 1 ص 44 نقل کرده است. ابن حجر مکی پس از نقل این حدیث در ص 136 کتاب الصواعق المحرقة گفته است که این حدیث از بیست و چند صحابی نقل گردیده است.

(1)- أمّ المؤمنین عائشة بنت ابی بکر بن ابی قحافة در سال ده قبل از هجرت به دنیا آمد و پس از جنگ بدر به ازدواج پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله در آمد وی در سال 35 ه ق. به دستیاری طلحه و زبیر بر ضد امام علی علیه السّلام قیام نمود و یکی از عوامل رهبری جنگ (جمل) به شمار می‌آید. از أمّ المؤمنین عائشة در حدود 2210 روایت نقل گردیده است. وی در سال 75 ه ق. در سن 55 سالگی درگذشت و ابو هریره بر جسد وی نماز گزارد. زندگینامه عائشة در الاصابة ج 8 ص 141- 129 و تذکرة الحفاظ ج 1 ص 29- 27 مندرج است.

(2)- حاکم پس از نقل این حدیث در المستدرک ج 1 ص 36 گفته است: اسناد حدیث مذکور صحیح است و من در راویان آن ضعفی نمی‌بینم گو اینکه بخاری و مسلم آن را در کتابهای خویش نیاورده‌اند. در جای دیگری از مستدرک الصحیحین نیز حاکم پس از نقل این حدیث آن را با در نظر گرفتن شرط بخاری صحیح دانسته است.

ترمذی آن را در الجامع الصحیح ج 2 ص 23- 22 قندوزی در ینابیع المودة ص 277 متقی هندی در کنز العمال ج 8 ص 191 و خطیب تبریزی نیز آن را در مشکاة المصابیح ج 1 ص 38 نقل کرده‌اند.

(3)- ابو الحسن علی بن عمر بن احمد بن مهدی دارقطنی بغدادی در سال 36 ه ق. متولد شد و در سال 385 ه ق. درگذشت. مهمترین کتاب به‌جامانده از وی سنن دارقطنی می‌باشد. زندگینامه وی در تذکرة الحفاظ

ج 4 ص 995- 991 مندرج است.
إحياء الميت، السيوطى ،متن،ص:82
که پس از هجرت (به سوى خدا و رسول) دوباره بازگشت نموده به سنن جاهلى روى آورد «1».

- حدیث پنجاه و نهم

: حاکم در کتاب تاریخ نیشابور و نیز دیلمی از ابو سعید خدری نقل کرده‌اند که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: سه چیز است که هرکس آنها را حفاظت نماید خداوند دین و دنیای او را حفظ می‌نماید و هرکس که آنها را تباه نماید خداوند چیزی را برای او حفظ نمی‌کند و آن سه: حرمت اسلام، حرمت من و حرمت خاندان من است «2».

- حدیث شصتم

: دیلمی از علی علیه السّلام نقل نمود که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: بهترین مردم، عرب «4» و بهترین عرب، قریش و بهترین قریش بنی هاشم هستند «3».

---

(1)- حدیث مذکور را متقی هندی در کنز العمال ج 16 ص 341 و حضرمی در القول الفصل ج 1 ص 466 نقل نموده‌اند.
(2)- حدیث مذکور را هیثمی در مجمع الزوائد ج 9 ص 68 و ابن حجر مکی در الصواعق المحرقة ص 90 نقل کرده‌اند.
(4)- همان‌گونه که قبلا بیان گردید در صحت این‌گونه احادیث که دلالت بر برتری نژادی و امثال این امور دارند می‌بایست با دیده تردید نگریست (مترجم).
(3)- حدیث مذکور را دیلمی در ص 57 مسند الفردوس (نسخه خطی موجود در کتابخانه آیة الله مرعشی ره) بدین صورت نقل نموده است: خیر الناس العرب و خیر العرب قریش و خیر قریش بنو هاشم و خیر العجم فارس و خیر السودان النوبة و خیر الصبغ العصفر و خیر الخضاب الحناء و الکتم و خیر المال العقر [نشانه‌های جعل و وضع در حدیث مذکور کاملا آشکار است (مترجم)] یعنی بهترین مردم، عرب و بهترین عرب، قریش و بهترین قریش، بنی هاشم و بهترین عجم، پارسیان و بهترین سیاهپوستان، اهالی نوبة و بهترین رنگها، زرد و بهترین خضاب، حنا و وسمه و بهترین دارایی، مال نقد است. دیگر مصادر این حدیث شامل کنز العمال ج 6 ص 214 و الانساب ج 1 ص 15 هستند.

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ في سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ
(سوره توبه آیه 41)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص 159
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال 1340 هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال 1385 هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازيهاي رایانه اي و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار هاي تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط 2350524)
ز)طراحی سیستم هاي حسابداري ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگي مذهبي قائمیه اصفهان
تاریخ تأسیس: 1385 شماره ثبت : 2373 شناسه ملی : 10860152026
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com
فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن 25-2357023- (0311) فکس 2357022 (0311) دفتر تهران 88318722 (021) بازرگانی و فروش 09132000109 امور کاربران (0311)2333045
نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت

امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.
شماره حساب 621060953 ، شماره کارت :6273-5331-3045-1973و شماره حساب شبا : -IR90-0180-0000-0000-0621-0609 53به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».